

تغییر ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی و دموکراسی جامعه ایرانی در دو موج پنجم و هفتم ارزش‌های جهانی

اکبر طالب پور^۱ , مهناز کرمی^۲ 

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. نویسنده مسئول. رایانامه: a.talebpour@alzahra.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: Mhnz67@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۳۰ کلید واژه‌ها: تغییر ارزش‌ها، موج پنجم، موج هفتم، ارزش‌های جهانی، جامعه ایرانی	هدف پژوهش: ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ و نظام شخصیتی، بر الگوهای رفتاری و ترجیحات اجتماعی و سیاسی و ... تأثیر دارند. به باور اینگلهارت و کلینگمن جوامع انسانی سه جهت اصلی تغییر اجتماعی را در قالب؛ توسعه اجتماعی اقتصادی، تغییر ارزش‌ها و تغییر سیاسی تجربه می‌کنند و تغییر ارزشی مقدم بر تغییر سیاسی محسوب می‌شود از همین رو مطالعه حاضر به مقایسه تغییرات ارزش‌های سیاسی و دموکراسی در جامعه ایران در دو موج پنجم و هفتم در میان دو گروه جنسی و سنی پیمایش ارزش‌های جهانی پرداخت تا ضمن بررسی میزان تغییرات در دوبازه زمانی موردنظر، نشانگان این تغییرات را شناسایی نماید. روش پژوهش: روش پژوهش تحلیل ثانویه و مطالعه طولی با استفاده از داده‌های موجود و در دسترس پیمایش ارزش‌های جهانی بود، داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS تحلیل شد تا روند تغییرات مؤلفه‌های مختلف ارزش‌های سیاسی گروه‌های سنی و جنسی مختلف جامعه ایران مشخص شود. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد؛ در نتیجه افزایش سطح تحصیلات، گسترش رسانه‌ها، و بهبود نسبی کیفیت زندگی، ارزش‌های فرامادی همچون مشارکت سیاسی، آزادی‌های مدنی و حقوق فردی به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر تقویت شده‌اند، همچنین براساس نتایج تحقیق با افزایش سن میزان نگرش به حکومت دینی افزایش یافته و در موج هفتم گروه سنی ۵۰ سال به بالا بیش از پیش به تفسیر قوانین توسط مراجع دینی گرایش پیدا کرده‌اند. نتیجه‌گیری: براساس نتایج تحقیق زنان بیش از مردان به وجود ارزش‌های دینی در نظام سیاسی گرایش پیدا کرده‌اند، احترام به حقوق فردی انسان‌ها که در موج پنجم کم ارزیابی شده بود در موج هفتم با تغییر قابل توجهی مثبت ارزیابی شده است که می‌تواند نشانه افزایش به فردگرایی در اثر گسترش فضای مجازی باشد و لازم است این امر در تحلیل رفتار سیاسی اعضای جامعه و طراحی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی مدنظر متولیان امر قرار گیرد.

استناد: طالب‌پور، ا. کرمی، م. (۱۴۰۴). تغییر ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی و دموکراسی جامعه ایرانی در دو موج پنجم و هفتم ارزش‌های جهانی، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴(۱)، ۱۱۰-۱۳۵.
 تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2025.66909.1861](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.66909.1861)

مقدمه و بیان مسأله

هر شتاب فزاینده تحولات اجتماعی که روشه (۱۳۸۶) نیز به آن اشاره می‌کند، نه تنها در عرصه‌های مادی و تکنولوژیک، بلکه در حوزه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز مشهود است. در واقع، افراد در طول زندگی خود با تغییرات متعددی روبرو می‌شوند که تأثیرات عمیقی بر نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها دارد. این تغییرات، که اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۵ و ۲۰۰۷) نیز بر آن تأکید می‌کنند، زمینه‌ساز دگرگونی‌های اساسی در عرصه‌های سیاسی، جنسی، اقتصادی و مذهبی می‌شوند. ارزش‌ها، به عنوان راهنمایان درونی افراد، نقش مهمی در شکل‌دهی به کنش‌ها و رفتارها ایفا می‌کنند. نیک‌گهر (۱۳۷۲) معتقد است که ارزش‌ها، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، اهمیت بسزایی دارند و افراد از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، آن‌ها را می‌آموزند.

ارزش‌ها، به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ (چلبی، ۱۳۷۵)، تأثیر مستقیمی بر الگوهای رفتاری و تفکری افراد دارند. شوارتز و تاگیرا (۲۰۰۵)، اینگلهارت و کاتبرگ (۲۰۰۲) و نویت و کانجی (۲۰۰۲) نیز بر این نکته تأکید می‌کنند که تغییر در ارزش‌ها می‌تواند منجر به دگرگونی در الگوهای رفتاری و فکری شود. در واقع، ارزش‌ها به عنوان محرک‌هایی عمل می‌کنند که انگیزه‌های افراد را شکل می‌دهند (روشه، ۱۳۸۶). تحولات ساختاری و تکنولوژیکی دوران مدرن، به ویژه از زمان انقلاب صنعتی و انقلاب‌های سیاسی دو سده پیش، تغییراتی رادیکال و فراگیر در جامعه مدرن ایجاد کرده است. مفاهیمی مانند مدرنیته متأخر (گیدنز، ۱۳۹۷)، پسانوسازی (اینگلهارت، ۱۳۷۷)، جامعه فراصنعتی (Bell, 1976)، عصر اطلاعات و ارتباطات (کاستلز، ۱۳۸۹) و جامعه دانش‌محور (دراکر، ۱۹۹۳)، همگی بیانگر این تحولات هستند. این تغییرات، به ویژه در جوامع سنتی و نظام‌های ارزشی-فرهنگی آن‌ها، مشهود است. گیدنز (۱۳۹۷) معتقد است که تحول مدرنیته با درهم شکستن ساختارهای سنتی، به دگرگونی‌های ارزشی مهمی منجر شده است. واقعیت مدرنیته متأخر نشان می‌دهد که نه تنها ساختارها و نهادهای اجتماعی، بلکه نظام اجتماعی و فرهنگی نیز به سرعت در حال دگرگونی است (گیدنز، ۱۳۹۲؛ Huntington, 2018؛ اینگلهارت، ۱۳۹۵). در نهایت، اینگلهارت (۱۳۷۷) تأکید می‌کند ارزش‌ها و انتظارات مردم از زندگی در حال تغییر است و این تغییرات، هنجارهای بنیادین حاکم بر سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتارهای جنسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه ایرانی طی سال‌های گذشته با دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چشمگیری مواجه شده است. این دگرگونی‌ها از یک سو شامل تحولات داخلی (همچون تغییر نسل‌ها، افزایش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی) و از سوی دیگر متأثر از عوامل خارجی (مانند تحریم‌های اقتصادی و تأثیرات جهانی‌شدن) است. در این میان، تغییرات ارزشی و نگرشی جامعه ایرانی نسبت به دموکراسی، مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی یکی از موضوعات مهم برای اندیشمندان و سیاست‌گذاران بوده است. پیمایش ارزش‌های جهانی به عنوان یکی از جامع‌ترین طرح‌های تحقیقاتی برای سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های مردم در سطح جهان، بستری مناسب برای تحلیل این تغییرات در جوامع مختلف، به ویژه ایران، فراهم کرده است. داده‌های این نشان‌دهنده تحولات ارزشی مردم ایران در دو موج پنجم (۲۰۰۵) و هفتم (۲۰۲۰) است. اما هنوز پژوهش‌های کافی درباره تحلیل عمیق این داده‌ها و عوامل مؤثر بر تغییرات ارزشی و نگرشی جامعه ایرانی صورت نگرفته است. بررسی تغییرات ارزش‌های مرتبط با دموکراسی و نگرش‌های سیاسی مردم ایران در این دو دوره می‌تواند شکاف‌های ارزشی میان نسل‌های مختلف، تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر نگرش مردم و مسائل کلیدی مانند اعتماد اجتماعی و تمایل به مشارکت دموکراتیک را روشن کند، این درک می‌تواند تصویری روشن‌تر از وضعیت دموکراسی‌خواهی در ایران ارائه دهد.

از سوی دیگر، بسترهای اجتماعی-سیاسی ایران، همانند تحولات سیاسی پس از سال‌های ۲۰۰۹، رخدادهای اعتراضی طی دهه ۱۳۹۰، اعتراضات ۱۴۰۲ و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، زمینه‌ساز تغییرات مهمی در نگرش مردم نسبت به آزادی‌های سیاسی و هنجارهای اجتماعی شده‌اند. بنابراین، این پژوهش با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی و رویکرد نظریه‌های تحول فرهنگی، سرمایه اجتماعی و تعارض نسلی تلاش دارد تا تغییرات ارزشی جامعه ایرانی را در بستر این تحولات تحلیل کرده و الگوی جدیدی از تمایل به دموکراسی و آزادی‌های مدنی ارائه کند. در این مقاله سعی بر آن است تا به‌طور خاص به مطالعه تغییرات ارزشی نظام سیاسی در ایران به‌صورت مطالعه‌ای طولی بررسی شود که با استفاده از داده‌های موج ۵ و موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی، تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌ها را در دو دوره زمانی مورد سنجش قرار

می‌دهد. همچنین تغییرات ارزشی در میان گروه‌های جنسی (زنان و مردان) و گروه‌های سنی (۲۹-۱۵ سال، ۴۹-۳۰ سال و ۵۰ سال به بالا) نیز در هر دو موج مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف از این مطالعه شناخت دگرگونی‌های نظام ارزش‌های سیاسی در ایران در دو دوره زمانی و در میان گروه‌های سنی و جنسی است. سؤال محوری در این مطالعه این است که تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی در دو دوره مورد بررسی به چه صورت بوده است؟ آیا این نظام فرهنگی در گذر زمان، تغییرات معناداری داشته است؟ آیا تغییرات نظام فرهنگی در میان زنان و مردان، تفاوت معناداری داشته است؟ آیا تغییرات نظام فرهنگی در میان گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری داشته است؟ و اساساً سمت و سوی این تحولات از نظر هم‌گرایی یا واگرایی ارزشی- فرهنگی چگونه قابل توصیف و تفسیر است؟

ادبیات پژوهش

مبانی نظری

الف. تعریف ارزش‌ها و تغییرات ارزشی

در مورد تعریف ارزش‌ها، توافق کاملی وجود ندارد؛ اما می‌توان عناصر مشترکی در این تعریف بازیابی کرد. در جامعه‌شناسی، ارزش‌ها به مثابه قطب‌نمایی عمل می‌کنند که مسیر حرکت افراد و جوامع را در پهنه زندگی اجتماعی مشخص می‌کنند. این اصول و باورهای مشترک، که مورد توافق جمعی قرار دارند، نه تنها به افراد کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری کنند، بلکه به ساختاردهی و انسجام جامعه نیز یاری می‌رسانند. ارزش‌ها، به عنوان معیارهایی برای ارزیابی رفتارها و نگرش‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی ایفا می‌کنند و در طول زمان و در جوامع مختلف، دستخوش تغییر و تحول می‌شوند (Parsons, 1951). اسپینگال اشاره می‌کند که یک جهت‌گیری ارزشی روی ادراکات فرد از زمان، طبیعت، روابط نوع انسانی در طبیعت و چگونگی رابطه انسان‌ها با یکدیگر تأثیر می‌گذارد. ارزش‌ها چارچوبی را فراهم می‌آورند که از طریق آن، افراد زندگی و وضعیت فردی را درک می‌کند (Gunnel, 2007: 3). ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دینی نیز هر کدام به نوبه خود، جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ارزش‌ها، که اغلب در قالب هنجارها، سنت‌ها و قوانین تجلی می‌یابند، به افراد کمک می‌کنند تا در جامعه احساس تعلق و هویت کنند و در عین حال، به حفظ نظم و ثبات اجتماعی کمک می‌کنند (Fichter, 1976). ارزش‌ها در رسوم، قوانین، هنجارها و اعمالی که مردم هر روزه در معرض آن هستند، اظهار می‌شود، ارزش‌ها در ارتقاء، مشروعیت، تفسیر و مجازات رفتارهای اجتماعی موجد و نوظهور استفاده می‌شوند (Schwartz & Sagie, 2000: 470) شوارتز و بیلسکی با جمع‌بندی تعاریف مختلف در باب ارزش‌ها، آنها را چنین تعریف می‌کنند: ارزش‌ها ۱. مفاهیم یا اعتقادات ۲. درباره رفتار یا حالات مطلوب هستند که ۳. وضعیت‌های ویژه را برتر می‌کنند. ۴. انتخاب یا ارزیابی از رفتار و رویدادها را هدایت می‌کنند و ۵. به وسیله اهمیت نسبی‌شان مرتب می‌شوند (فیرستون، ۲۰۰۳: ۲؛ جانسون، ۱۹۹۹: ۵ به نقل از وثوقی، ۱۳۸۹).

تغییر ارزش‌ها به مثابه یک تحول پویا و پیوسته در باورها و اصول مشترک یک جامعه یا گروه اجتماعی تعریف می‌شود. این دگرگونی‌ها، که می‌توانند از تغییرات ظریف در اولویت‌بندی ارزش‌ها تا دگرگونی‌های بنیادین در کل نظام ارزشی یک جامعه را شامل شوند، تحت تأثیر عوامل متعددی رخ می‌دهند. تعامل با فرهنگ‌های دیگر، نوآوری‌های فرهنگی و دگرگونی در رسانه‌ها و ارتباطات، به عنوان عوامل فرهنگی، نقش مهمی در تغییر ارزش‌ها ایفا می‌کنند. همچنین، تحولات جمعیتی، تغییرات در ساختار خانواده و جنبش‌های اجتماعی، به عنوان عوامل اجتماعی، می‌توانند به تغییر ارزش‌ها منجر شوند (Inglehart, 1977).

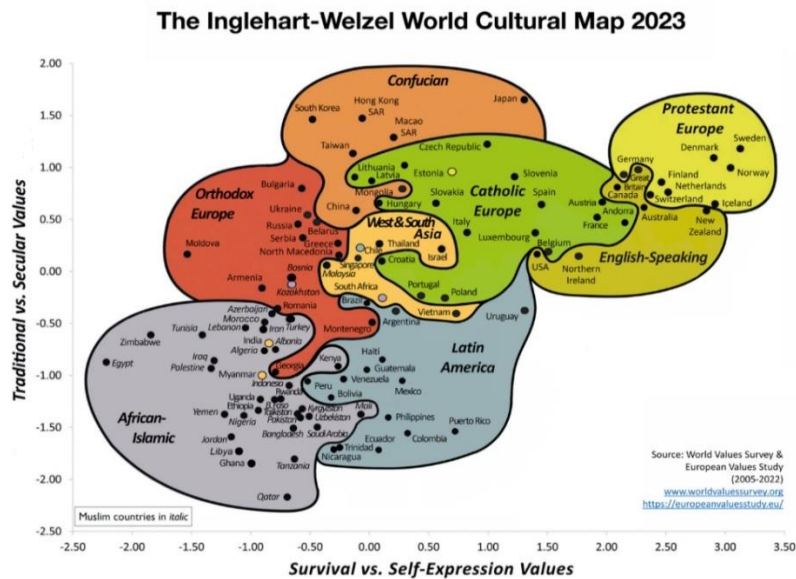
اینگلهارت معتقد بود با افزایش رفاه اقتصادی و امنیت در جوامع صنعتی پیشرفته، ارزش‌های مادی (مانند امنیت اقتصادی و فیزیکی) جای خود را به ارزش‌های پسمادی (مانند آزادی بیان، کیفیت زندگی و مشارکت سیاسی) می‌دهند. او این تغییر را ناشی از تجربه امنیت و رفاه نسل‌هایی می‌داند که در شرایط اقتصادی و اجتماعی پایدار رشد کرده‌اند. این نسل‌ها، برخلاف نسل‌های پیشین که با کمبودها و ناامنی‌ها مواجه بودند، به نیازهای عالی‌تر مانند خودشکوفایی و مشارکت

در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهند. برای مثال، افزایش توجه به ارزش‌های پسمادی می‌تواند به ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، تغییر در الگوهای مصرف و تغییر در سیاست‌های عمومی منجر شود (Inglehart & Abramson, 1994: 336). او در نظریه تغییر ارزشی بیان می‌کند که تحول در اولویت‌های ارزشی جوامع، از ارزش‌های مادی‌گرایانه به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، روندی جهانی و قابل پیش‌بینی است. این تغییرات زمانی رخ می‌دهند که جوامع از شرایط ناامنی اقتصادی و فقدان امنیت بنیادی به سطوح بالاتری از امنیت نسبی و رفاه اقتصادی دست یابند. بر این اساس، این نظریه تأکید دارد که توسعه اقتصادی نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی منجر می‌شود، بلکه تحولی در سیستم ارزش‌گذاری جوامع ایجاد کرده و ارزش‌های مادی‌گرایانه، که بر بقا و نیازهای بنیادی متمرکزند، جای خود را به ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، با تأکید بر خودبیان‌گری، محیط‌زیست، و کیفیت زندگی می‌دهند. این پیوند بین توسعه اقتصادی و تغییر ارزش‌ها به وضوح، هماهنگی میان رشد اقتصادی و تغییرات فرهنگی را منعکس می‌کند (Inglehart & Abramson 1994: 337).

ولزل، اینگلهارت و کلینگمن (۲۰۰۳)، معتقدند جوامع انسانی سه جهت اصلی از تغییر اجتماعی را تجربه می‌کنند: توسعه اجتماعی اقتصادی، تغییر ارزش‌ها و تغییر سیاسی، بیش‌تر محققان منحصراً روی یکی از این شاخه‌ها متمرکز شده‌اند، اما همه شاخه‌ها به‌طور همزمان رخ می‌دهند و معمولاً با یکدیگر همراه هستند (Gunnell, 2007: 68). به زعم ویلبرت مور مفهوم مدرنیزاسیون به معنای دگرگونی کامل جامعه سنتی و تغییر به جامعه مدرن با انواع تکنولوژی و با سازمان اجتماعی مربوطه بود که به ویژگی یک اقتصاد پیشرفته و ثروتمند و از لحاظ سیاسی تثبیت شده چون جوامع غربی دلالت دارد (هولم و ترنر، ۱۹۹۰: ۳۴؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲). براساس نظریه مدرنیزاسیون توسعه اقتصادی، جوامع را به سمت تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل پیش‌بینی سوق می‌دهد. شواهد گوناگون بین‌المللی نشان می‌دهند که این توسعه، یک مسیر نسبتاً مشخص را دنبال می‌کند. صنعتی‌شدن به تخصصی‌شدن مشاغل، ارتقای سطح تحصیلات، افزایش درآمدها و همچنین دگرگونی‌های غیرمنتظره‌ای مانند تغییر در نقش‌های جنسیتی، نگرش نسبت به اقتدار، هنجارهای جنسی، کاهش فرزندآوری و تقویت مشارکت سیاسی می‌انجامد. این تحول، نشان‌دهنده وجود یک الگوی تقریباً هماهنگ میان فرایندهای اقتصادی و عملکرد اجتماعی و فرهنگی است (Inglehart et al., 2000: 21).

رونالد اینگلهارت درباره مدرنیزاسیون و تغییرات ارزشی، تأکید داشت فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع به شکل تدریجی باعث دگرگونی‌های بنیادی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد می‌شود. او با بهره‌گیری از داده‌های پیمایش‌های جهانی ارزش‌ها نشان داد که در جوامعی که تحت تأثیر مدرنیزاسیون قرار می‌گیرند، مسیر تغییرات ارزشی از ارزش‌های سنتی و مبتنی بر بقا به سوی ارزش‌های مدرن و خودبیانگر شکل می‌گیرد. این تغییر به تدریج و همزمان با رشد اقتصادی، گسترش تحصیلات، و تغییر ساختارهای اجتماعی رخ داده و به دو مرحله برجسته تقسیم می‌شود. در نخستین مرحله، ارزش‌های سنتی، که معمولاً بر مذهب، خانواده و نظم اجتماعی تأکید دارند، به تدریج جای خود را به ارزش‌های سکولار و مدرن می‌دهند. نقش مذهب و سنت به عنوان عوامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌ها و تعاملات اجتماعی کمرنگ‌تر می‌شود و عقلانیت و سکولاریسم در جوامع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این تحول، که به طور خاص با صنعتی‌شدن و رشد درآمدها همراه است، باعث تغییر در هویت‌های جمعی و فردی می‌شود و نقش نهادهای سنتی مانند خانواده و کلیسا کاهش می‌یابد. در مرحله دوم، ارزش‌هایی که بر بقای مادی و امنیت اقتصادی تمرکز داشتند، جای خود را به ارزش‌های خودبیانی می‌دهند. در این مرحله، جامعه به سمت ارزش‌هایی حرکت می‌کند که شامل استقلال فردی، برابری جنسیتی، مشارکت سیاسی، و تأکید بر آزادی‌های فردی و حقوق بشر است. این تحول ارزشی زمانی اتفاق می‌افتد که امنیت اقتصادی در بلندمدت تا حد زیادی تضمین شده باشد و افراد دیگر نیازی به تمرکز صرف بر نیازهای اولیه خود نداشته باشند.

به زعم وی این تغییرات ارزشی محصول طبیعی مدرنیزاسیون هستند، به طوری که جوامع با رشد اقتصادی و صنعتی به نگرشی بازتر و مدرن‌تر دست می‌یابند. تحقق این ارزش‌ها در بسیاری از موارد با افزایش مشارکت اجتماعی، واکنش مثبت به نهادهای دموکراتیک، و ارتقای کیفیت زندگی همراه است. بنابراین، نظریه او نشان می‌دهد که مدرنیزاسیون نه تنها ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را تغییر می‌دهد، بلکه نوعی تغییر عمیق فرهنگی و نگرشی را در سطح جامعه ایجاد می‌کند که به رشد ارزشی و فردگرایی مثبت منجر می‌شود (Inglehart & Welzel, 2007: 20).



نمودار ۱: موقعیت کشورها روی دو بعد ارزش‌ها

منبع: پیمایش ارزش‌های جهانی موج هفتم (Inglehart Ronald and Wayne E. Baker 2005 - 2022)

همانگونه که در نمودار فوق نشان داده شده است از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ میلادی مردم کشورهای جهان براساس یک پیوستار از یک سو از جامعه سنتی به جامعه سکولار و عقلانی ارزش‌های خود را تغییر داده‌اند و از سوی دیگر ارزش‌های مبتنی بر بقا به ارزش‌های خودشکوفایی تغییر نموده‌اند که در هر دو زمینه کشورهای اروپایی در وضعیت تغییرات سریع و کشورهای اسلامی و آفریقایی در وضعیت تغییرات کند قرار دارند. براساس نظریه مدرنیاسیون، با وجود اینکه عناصر فرهنگی به صورت سنتی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، ارزش‌های بنیادین مردم نه تنها بازتابی از آموخته‌هایشان هستند، بلکه تجربه‌های مستقیم آنها در زندگی را نیز منعکس می‌کنند. در نیم‌قرن گذشته، توسعه اقتصادی و اجتماعی به صورت اساسی شرایط زندگی مردم را دگرگون کرده و آنها را به سمت تمرکز بر اهدافی سوق داده است که پیش‌تر در اولویت‌های پایین‌تری قرار داشتند. این دگرگونی فرهنگی به وضوح در تغییر از اصول جمع‌گرایانه به سوی آزادی فردی مشاهده می‌شود. در این روند، جوامع از تأکید بر هم‌نوایی گروهی به پذیرش تنوع انسانی و از اقتدارگرایی دولتی به ارزش‌گذاری بر خودمختاری فردی تغییر مسیر داده‌اند. این تغییرات ارزشی که به تدریج در جوامع مدرن نمود پیدا کرده‌اند، در مفهومی به نام ارزش‌های خوداظهاری تجلی یافته‌اند. در چنین شرایطی، افزایش اهمیت ارزش‌های خوداظهاری به مدرنیاسیون معنای متفاوتی بخشیده و آن را به فرآیندی از توسعه انسانی تبدیل کرده است. بدین ترتیب، روند مدرنیاسیون جامعه‌ای را پدید آورده است که به شکل روزافزون بر فرد محوری استوار شده و اولویت‌های جدیدی مانند آزادی‌های فردی، احترام به تنوع، و تأکید بر حقوق فردی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده است. این تغییرات نشان‌دهنده تحول بنیادین ارزش‌ها و نگرش‌ها در جوامع مدرن است که با فرایند گسترده مدرنیاسیون و توسعه اقتصادی اجتماعی همراه بوده است (Inglehart & Welzel 2007: 22).

هر چند به عقیده اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۷) تغییرات فرهنگی در جوامع مختلف احتمالی هستند، این تغییرات، قوانین جبری شبیه سوسیالیسم عملی که مارکس طرفدار آن بود نیستند. علاوه بر آن، تغییرات فرهنگی خطی نیستند که همانند توسعه اقتصادی در یک جهت حرکت نمایند (Inglehart & Welzel, 2007: 20).

ب. سرمایه اجتماعی و تغییرات ارزشی

سرمایه اجتماعی بر این اصل استوار است که ارتباطات اجتماعی از طریق خانواده، دوستان، همکاران یا سازمان‌های محلی می‌تواند به‌منزله منابع ارزشمند تلقی شود که به افراد امکان می‌دهد به فرصت‌های جدید دسترسی پیدا کنند، اطلاعات را به

اشتراک بگذارند و روابط اجتماعی را برای دستیابی به منافع متقابل به کار بگیرند. سرمایه اجتماعی شامل ابعاد ساختاری، ارتباطی و شناختی است، بعد ساختاری به شبکه کلی روابط فرد اشاره دارد و کیفیت و تعداد این ارتباطات را بررسی می‌کند. بعد ارتباطی بر روابط شخصی و اعتمادی که میان افراد در این شبکه‌ها وجود دارد، تأکید می‌کند و ارزش‌هایی مانند هنجارهای متقابل را برجسته می‌سازد. بعد شناختی به ارزش‌ها و باورهای مشترکی اشاره دارد که همکاری را ممکن ساخته و حس تعلق اجتماعی را تقویت می‌کنند (Tsounis & Xanthopoulou, 2024). نظریه‌پردازان بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شوند: سرمایه اجتماعی پیوندی که بین افراد دارای شباهت‌های زیاد مانند خانواده یا دوستان نزدیک شکل می‌گیرد و عمدتاً بر حمایت عاطفی و هویت گروهی تمرکز دارد، و سرمایه اجتماعی پلی که میان افراد از گروه‌های متنوع برقرار می‌شود و موجب تبادل اطلاعات، منابع و فرصتی برای نوآوری و خلاقیت می‌گردد (Claridge, 2018). سرمایه اجتماعی نقش مهمی در تحولات فردی و جمعی جامعه ایرانی ایفا می‌کند، در کشورهایی مانند ایران، تحولات اجتماعی و سیاسی اخیر، از جمله افزایش جنبش‌های اجتماعی و تأثیر گسترده شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های جدیدی برای تغییر در ارزش‌های سیاسی و نگرش‌های دموکراتیک ایجاد کرده‌اند. پژوهش‌هایی که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی پرداخته، نشان می‌دهند که هرچه میزان اعتماد و تعامل اجتماعی در یک جامعه افزایش یابد، ظرفیت آن برای ایجاد تغییرات مثبت سیاسی و اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد (ارسیا و ساعدی، ۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی علاوه بر اینکه روند شکل‌گیری نگرش‌های دموکراتیک را توضیح می‌دهد، به درک بهتر از روابط بین‌نسلی و تحولات ارزشی و سیاسی در جامعه ایرانی کمک می‌کند، که این خود مبنای ارزشمندی برای تحلیل تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره‌ها به شمار می‌رود (معززی، صومعه و تنهایی، ۱۴۰۰).

ج. نقش تحول فرهنگی در تغییرات ارزشی

تحول فرهنگی چارچوب نظری است که بر ضرورت درک عوامل فرهنگی در کنار پیشرفت‌های اجتماعی و فناورانه در ایجاد تغییرات معنادار در جوامع تأکید داشته و فرض می‌کند تغییرات اجتماعی پایدار تنها زمانی ممکن است که هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای فرهنگی تغییر یابند و با تغییرات ساختاری و تکنولوژیکی همراه شوند. این دیدگاه نشان می‌دهد چگونه ارزش‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی می‌توانند مقاومت در برابر تغییر را کاهش دهند یا برعکس، پذیرش تغییرات را تسهیل کنند. تحقیقات مرتبط نشان می‌دهند تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی مردم نمی‌توانند جدا از دینامیک فرهنگی و اجتماعی درک شوند، چرا که این عوامل فرهنگی به‌طور مستقیم بر رفتارهای سیاسی، مشارکت مدنی و پذیرش ایده‌های نوین تأثیر دارند (Parris et al. 2022).

مطالعات نشان می‌دهند تغییرات اجتماعی، نظیر افزایش آگاهی عمومی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند به تحول در ارزش‌های سیاسی و فرهنگی منجر شوند. تحول فرهنگی از طریق تأثیرگذاری بر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، زمینه را برای شکل‌گیری نگرش‌های جدید سیاسی و فرهنگی فراهم می‌کند و بر اهمیت طراحی فرآیندهایی تأکید دارد که بتوانند همزمان از عوامل روان‌شناختی فردی و پویایی‌های اجتماعی بهره بگیرند. به عبارت دیگر، در تغییر نگرش‌های سیاسی و دموکراتیک، باید عواملی مانند اعتماد، نقش رهبری و مشارکت فعال افراد در تغییرات فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد (Hacker, 2015).

تحقیقات همچنین نشان داده‌اند تغییرات فرهنگی می‌توانند فرآیندی چندلایه از تغییرات در رفتارها و ارزش‌های فردی گرفته تا تحولات گسترده‌تر در ساختارهای اجتماعی باشند. به عنوان مثال، تحول فرهنگی کمک می‌کند تا ارتباط مفاهیمی مانند دموکراسی، مدارا و حقوق برابر با ارزش‌های فرهنگی جاری مطالعه شود و راهکارهایی برای تسهیل این تغییرات ارائه دهد. در بررسی تغییرات سیاسی در ایران، این نظریه می‌تواند به شناخت شکاف میان ارزش‌های سنتی و مدرن کمک کند و زمینه را برای تحلیل دقیق‌تر تحولات در دو موج پنجم و هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی فراهم آورد. فهم این تحولات

نیازمند پیاده‌سازی استراتژی‌هایی است که ضمن تقویت مشارکت مردم، ارتباطات فرهنگی-اجتماعی را در راستای اهداف دموکراتیک تقویت کنند (Parris et al. 2022).

از سوی دیگر تحول فرهنگی نشان می‌دهد که چگونه تغییرات ارزشی می‌توانند ابزار قدرتمندی در تقویت نگرش‌های دموکراتیک و پذیرش سیاست‌های جدید باشند. این نظریه بر اهمیت عوامل زمینه‌ای، مانند تاریخچه فرهنگی و نظام‌های اجتماعی، تأکید دارد و نشان می‌دهد که تحول پایدار تنها وقتی ممکن است که ارزش‌های بنیادین جامعه با جهت‌گیری‌های نوین همسو شوند. در جریان تغییر ارزش‌ها لازم است نقش نهادها نیز جدی گرفته شوند، نهادها، اعم از قوانین، مقررات، هنجارها و باورها، نحوه تعامل افراد و گروه‌ها را شکل داده و در نتیجه، بر ارزش‌ها و نگرش‌های آنان تأثیر می‌گذارند (کاظمی، ۱۳۹۲). در زمینه ارزش‌های سیاسی و دموکراتیک، نهادهایی نظیر نظام انتخاباتی، آزادی بیان، نهادهای مدنی و رسانه‌ها، نقش کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی جامعه ایفا می‌کنند. تغییر در این نهادها، به عنوان مثال اصلاح قوانین انتخاباتی یا گسترش فضای رسانه‌ای، می‌تواند منجر به تغییر در نگرش افراد نسبت به دموکراسی، مشارکت سیاسی و سایر ارزش‌های مرتبط گردد. همچنین گسترش نهادهای دموکراتیک و افزایش مشارکت سیاسی می‌تواند منجر به تقویت ارزش‌های فرامادی در جامعه شود، علاوه‌براین، تغییرات در نهادهای اقتصادی و اجتماعی مانند افزایش رفاه اجتماعی و کاهش نابرابری می‌تواند زمینه‌ساز تغییر ارزش‌ها از مادی به فرامادی شود. بدیهی است که در چنین بستری هر نسل، تحت تأثیر تجربیات مشترک در دوره‌ای خاص از تاریخ، ارزش‌ها و نگرش‌های منحصر به فردی را شکل می‌دهد. تغییرات اجتماعی، به ویژه در عصر حاضر با سرعت فزاینده، این تفاوت‌ها را تشدید می‌کند و منجر به تعارض در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست و فرهنگ می‌شود. در جامعه ایران، با توجه به تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر، نظریه تعارض نسلی می‌تواند ابزاری مفید برای درک تغییرات ارزش‌های سیاسی و دموکراتیک باشد. نظریه تعارض نسلی، به تبیین مکانیسم‌های تغییرات ارزشی کمک می‌کند و نشان می‌دهد که تفاوت‌های ارزشی بین نسل‌ها، می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی بلندمدت باشد. بر مبنای مدل احتمال بسط افراد نگرش‌های خود را از طریق دو مسیر مرکزی و جانبی تغییر می‌دهند (Petty & Cacioppo. 1986). در مسیر مرکزی، افراد با دقت و توجه به اطلاعات مرتبط با موضوع، نگرش خود را تغییر می‌دهند، در حالی که در مسیر جانبی، با استفاده از نشانه‌های جانبی مانند جذابیت منبع یا تعداد استدلال‌ها، نگرش خود را تغییر می‌دهند در این میان افراد زمانی که با اطلاعات یا باورهای متناقض مواجه شوند، احساس ناهماهنگی نموده و برای کاهش این ناهماهنگی، نگرش خود را تغییر می‌دهند (Festinger. 1957). همچنین ممکن است افراد با خودادراکی نگرش‌های خود را با مشاهده رفتار خود و استنباط از آن شکل دهند (Bem. 1972).

بطور کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی، از جمله صنعتی شدن، شهرنشینی و گسترش آموزش، زمینه‌ساز تغییرات سیاسی شد که این تحولات، موجب افزایش آگاهی سیاسی، مشارکت اجتماعی و مطالبات سیاسی جدید در جامعه گردید. این فرآیند، مستلزم تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بود؛ به طوری که ارزش‌های سنتی، مانند وفاداری به قبیله و خانواده، جای خود را به ارزش‌های مدرن، مانند فردگرایی، عقلانیت و مشارکت سیاسی، داد. نوسازی سیاسی نیازمند ایجاد نهادهای سیاسی مدرن، مانند احزاب سیاسی، پارلمان و نظام اداری کارآمد، بود، این نهادها، نقش واسطه بین دولت و جامعه را ایفا نموده و زمینه‌ساز مشارکت سیاسی و ثبات سیاسی شدند. بسیاری از نظریه‌پردازان نوسازی، دموکراسی را به عنوان هدف نهایی نوسازی سیاسی تلقی نموده و معتقدند نوسازی اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری دموکراسی در جوامع مختلف می‌شود (آلموند و وربا، ۱۳۸۰). ساموئل هانتینگتون، در کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی به بررسی رابطه بین نوسازی و بی‌ثباتی سیاسی پرداخته و نشان داد نوسازی سریع، منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۳).

پیشینه تجربی

شامل بررسی‌ها نشان می‌دهند که مطالعات فراوانی درخصوص دگرگونی‌های فرهنگی در طول زمان و در میان نسل‌های مختلف صورت گرفته است که در ادامه به تحقیقات مرتبط و هم‌سو با این مطالعه اشاره می‌شود.

در مطالعات خارجی کونست و مسودی (۲۰۲۴) در مطالعه رمزگشایی از پویایی‌های تغییر فرهنگی نشان دادند مکانیسم‌های تکامل فرهنگی، مانند (ضد)همنوایی، سوگیری پرستیژ، سوگیری پاداش و انتقال عمودی، در درک زمان، چرایی و چگونگی فرهنگ‌پذیری اعضای گروه‌های اقلیت و اکثریت نقش دارند. جهت و قدرت این مکانیسم‌ها توسط ترکیبی از عوامل زمینه‌ای و فردی تعدیل شده و منجر به استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری می‌شود که در سطح جمعیت تعادل‌های تکاملی فرهنگی را تشکیل می‌دهند. این تعادل‌ها به نوبه خود پیامدهایی برای پویایی بلندمدت تکامل فرهنگی و تغییر ارزش‌ها را دارند، پویایی تغییرات فرهنگی در مقیاس بزرگ درک ما را از چالش‌های پیچیده‌ای که جوامع متنوع امروزی با آن مواجه هستند، افزایش داده است (Kunst & Mesoudi, 2024). استفنس (۲۰۲۳) نشان داد پس از شروع تغییر فرهنگی، ممکن است تغییرات مهمی در سایر عناصر فرهنگی ایجاد شود که در شرایط مناسب منجر به تحول فرهنگی می‌شود، تغییر فرهنگی در بین اعضای یک جمعیت گسترده، ممکن است در سطح جامعه و در سطح حکومت تغییراتی به وجود بیاورد و رژیم‌های ناپایدار سیاسی را بی‌ثبات کند (Stephenson, 2023). اینگلهارت و نوریس (۲۰۱۷) در مطالعه ترامپ و احزاب اقتدارگرایی پوپولیست: انقلاب خاموش در مسیر معکوس، نشان دادند ۳۵ سال امنیت استثنایی که دموکراسی‌های توسعه‌یافته پس از جنگ جهانی دوم تجربه کردند، تغییرات فرهنگی فراگیری از جمله ظهور احزاب سبز و گسترش دموکراسی را به همراه داشت. در طول ۳۵ سال گذشته، رشد اقتصادی ادامه یافت، اما تقریباً تمام دستاوردها به کسانی که در صدر بودند، رسید. از همان ابتدا، گروه‌های جوان‌تر از احزاب طرفدار محیط زیست حمایت می‌کردند، در حالی که گروه‌های مسن‌تر و کم‌اعتمادتر از احزاب بیگانه‌هراس اقتدارگرا، در یک برخورد ارزشی پایدار بین نسلی، حمایت می‌کردند. اما در سه دهه گذشته، اثرات قوی دوره‌ای در جهت افزایش حمایت از احزاب بیگانه‌هراس عمل کرده‌اند: دستاوردهای اقتصادی تقریباً به طور کامل به نفع افراد در رأس قدرت بوده است، در حالی که بخش بزرگی از جمعیت، کاهش درآمد واقعی و امنیت شغلی را همراه با هجوم گسترده مهاجران و پناهندگان تجربه کرده‌اند (Inglehart & Norris, 2017).

در مطالعات داخلی شیری (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان مطالعه نسلی تغییرات ارزشی در ایران به تحلیل ثانویه داده‌های موج ۴ پیمایش ارزش‌های جهانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که در گذار نسلی ۲۰ ساله در برخی موضوعات ارزش‌ها و نگرش‌ها تغییر نکرده و در برخی دیگر شاهد تفاوت‌های نسلی هستیم. از سوی دیگر نشانه‌هایی از وارونگی ارزشی نیز در این گذار نسلی هویدا است. مطالعه اکبری و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان نشان داد نگرش‌های اجتماعی در ایران تحت تأثیر عواملی نظیر سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی و تحولات فرهنگی در حال تغییر بود، تحلیل داده‌ها نشان داد افراد با تحصیلات دانشگاهی و ساکنان شهر، نگرش‌های مدرن‌تری نسبت به مسائل اجتماعی داشتند، همچنین وضعیت اقتصادی بر نگرش‌ها تأثیرگذار بود. رفیع‌پور (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷) در مطالعات خود با هدف سنجش تغییر ارزش‌ها در سه دوره زمانی ۱۳۵۶، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ به این نتیجه رسیده است که بعد از انقلاب در نتیجه برنامه‌ها و فرایندهای مدرنیزاسیون گرایش به سمت ارزش‌های مادی افزایش و در مقابل ارزش‌های مذهبی تضعیف شده است. عیوضی و جهان‌بین (۱۳۹۱) ضمن نفی سکولاریسم، نشانه‌هایی از گرایش به ارزش‌های مادی، تضعیف فرهنگ کار و کاهش امید به آینده را در ایران پس‌انقلاب شناسایی کرده‌اند. طالبان و همکاران (۱۳۸۹) نیز نشان داده‌اند که از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب اهمیت ارزش‌های مادی افزایش و از اهمیت ارزش‌های معنوی کاسته شده است. وثوقی و اکبری (۱۳۸۹) در مطالعه خود با هدف بررسی روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها، ضمن اشاره به اینکه ارزش‌ها در کشورهای مختلف در حال تغییر هستند، نشان داده‌اند که افزایش توسعه اقتصادی همراه با کاهش تورم باعث تغییر ارزش‌ها به سمت ارزش‌های خوداظهاری می‌شود. آنچه در میان این پژوهش‌ها تقریباً مشترک بوده و همگی به آن پرداخته‌اند، تغییر ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های خوداظهاری بوده که در طول زمان حاصل شده است و تنها یکی از مقالات مورد بررسی این تغییرات را در میان دو نسل مقایسه کرده است. آنچه مقاله حاضر را از سایر مقالات مورد بررسی متمایز می‌کند، اولاً بررسی تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در خصوص تنها یک شاخص نظام سیاسی و دوماً تفاوت در موج‌های مورد بررسی (موج ۵ و موج ۷) است.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر به شیوه اسنادی و با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی انجام شد و از نظر زمانی در زمره مطالعات مقطعی بود که روند تغییر ارزش‌ها را از منظر متغیرهای؛ شاخص نظام سیاسی و ارزش‌های دموکراسی براساس داده‌های ارزش‌های جهانی در دو مقطع زمانی مورد بررسی و مقایسه قرار داد. بدین منظور داده‌های موج ۵ و موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی که به ترتیب در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۹ میلادی و ۲۰۱۷-۲۰۲۰ میلادی گردآوری شده و داده‌های آن برای ایران در دسترس بود، مورد بازتحلیل قرار گرفت. روش مقطعی بر گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی خاص تکیه دارد (حبیبی، ۱۴۰۰) و از بررسی و مقایسه مقاطع مورد بررسی به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. در بررسی حاضر با توجه به هدف تحقیق و داده‌های موجود با استفاده از این روش، داده‌های دو موج ۵ و موج ۷ که هر کدام در یک مقطع زمانی خاص تهیه شده بودند، مورد مقایسه قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

مطالعه حاضر با استناد به داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، دگرگونی و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان را در دو مقطع زمانی (۲۰۰۵-۲۰۰۹ و ۲۰۱۷-۲۰۲۰ م.) به شیوه مطالعه مقطعی مورد مقایسه قرار داد. بررسی این تغییرات در بعد سیاسی و مشخصاً در شاخص‌های نظام سیاسی و دموکراسی انجام شد که در ادامه نتایج ارائه شده است.

۱. شاخص نظام سیاسی

برای بررسی شاخص نظام سیاسی چهار گویه داشتن یک رهبر قدرتمند، تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی، اداره کشور توسط نظامیان و داشتن یک نظام سیاسی دموکراتیک به‌صورت مشترک در هر دو موج ۵ و ۷ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، اما گویه داشتن نظام مبتنی بر قوانین مذهبی بدون حضور احزاب سیاسی و انتخابات تنها در موج ۷ مورد مطالعه قرار گرفت.

جدول شماره ۱: نگرش به رهبر قدرتمند

نگرش	متغیر		موج ۵				موج ۷			
			جنس		سن		جنس		سن	
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
خیلی خوب	۲۲,۴	۲۳,۲	۲۱,۴	۲۴,۷	۲۴,۲	۱۸,۴	۱۸,۵	۱۶,۶	۲۰,۵	۱۶,۴
خوب	۵۲,۰	۵۰,۷	۵۱,۱	۵۰,۰	۵۵,۶	۳۲,۶	۳۲,۴	۳۲,۸	۳۷,۲	۳۲,۵
خیلی بد	۱۸,۲	۱۸,۱	۲۰,۲	۱۶,۴	۱۵,۰	۲۶,۴	۲۴,۷	۲۷,۵	۲۲,۹	۲۹,۲
بد	۷,۴	۸,۰	۷,۳	۹,۰	۵,۱	۲۲,۶	۱۹,۴	۲۳,۱	۱۹,۴	۲۱,۹
پاسخ معتبر	۲۵۹۶		۲۶۱۷		۱۴۶۱		۱۴۶۱		۱۴۶۱	
آماره	-۰,۰۰۲		-۰,۰۴۳		-۰,۰۴۰		-۰,۰۰۸		-۰,۰۰۸	
سطح معنی‌داری	۰,۹۲۷		۰,۰۲۷		۰,۱۲۵		۰,۷۵۳		۰,۷۵۳	

براساس نتایج حاصل از جدول بالا، اعتقاد به داشتن یک رهبر قدرتمند در نظام سیاسی در موج هفتم در میان زنان و مردان نسبت به موج پنجم کاهش یافته است، از سوی دیگر این نگرش در میان مردان نسبت به زنان کاهش بیشتری را نشان می‌دهد. همچنین گروه‌های سنی ۳۰-۴۹ و ۵۰ به بالا در موج پنجم نسبت به موج هفتم نسبت به وجود یک رهبر قدرتمند در نظام سیاسی نگرش مثبت‌تری داشته‌اند، که این امر نشان از منفی شدن نگرش در این‌زمینه دارد یعنی در موج هفتم افراد تمایل کمتری به رهبر قدرتمند و کاریزماتیک داشتند، نکته حایز اهمیت شدت این است که شدت نگرش منفی نسبت به رهبر قدرتمند در گروه سنی ۱۵-۲۹ شدیدتر بوده است. بطور کلی در موج هفتم شاهد کاهش نگرش مثبت نسبت به داشتن رهبر مقتدر در میان هر سه گروه سنی بوده‌ایم.

جدول شماره ۲: تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی

متغیر	موج ۵										نگرش
	موج ۷					موج ۵					
	سن		جنس			سن		جنس			
	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹	مرد	زن	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹	۱۵-۲۹	مرد	زن	۵۰ به بالا	
خیلی خوب	۳۷,۹	۳۲,۴	۳۷,۶	۳۴,۷	۱۱,۷	۱۱,۹	۸,۵	۱۱,۲	۹,۳	۳۷,۱	خیلی بد
خوب	۳۴,۴	۴۵,۲	۳۵,۱	۳۹,۴	۵۹,۸	۵۱,۳	۵۰,۶	۵۰,۹	۵۳,۲	۳۳,۲	خیلی بد
خیلی بد	۲۱,۹	۱۶,۹	۲۱,۵	۲۰,۴	۲۳,۷	۲۷,۰	۳۰,۱	۲۸,۱	۲۷,۹	۲۴,۰	بد
بد	۵,۸	۵,۶	۵,۹	۵,۵	۴,۸	۹,۷	۱۰,۸	۹,۸	۹,۶	۵,۷۰	پاسخ معتبر
پاسخ معتبر	۱۴۷۴		۱۴۷۴			۲۶۰۹		۲۵۸۸			آماره
آماره	۰,۰۱۰		۰,۰۰۷			-۰,۰۸۵		۰,۰۰۹			سطح معنی‌داری
سطح معنی‌داری	۰,۷۱۳		۰,۷۹۳			۰,۰۰۱		۰,۶۵۰			

یافته‌ها حاکی از آن است که درخصوص تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی در هر دو موج، مردان نسبت به زنان نگرش مثبت‌تری داشته‌اند، اما این نگرش در موج هفتم نسبت به موج پنجم در هر دو گروه مثبت‌تر شده است. همچنین در میان گروه‌های سنی، در موج پنجم نگرش نسبت به تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی منفی‌تر از موج هفتم بوده است و در موج هفتم در هر سه گروه سنی، نسبت به این مقوله نگرش مثبت‌تر شده است.

جدول شماره ۳: اداره کشور توسط افراد نظامی

متغیر	موج ۵										موج ۷												
	جنس					سن					جنس					سن							
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا								
خیلی خوب	۵,۱	۴,۱	۵,۵	۳,۷	۳,۴	۱۶,۲	۱۱,۹	۱۴,۲	۱۳,۸	۱۴,۲	بد	۲۷,۵	۳۵,۱	۲۹,۹	۳۴,۷	۳۵,۰	۳۶,۳	۲۴,۶	۲۹,۶	۲۳,۲	۳۴,۲	۳۰,۳	۱۹,۹
خوب	۳۴,۹	۲۴,۹	۳۱,۲	۲۶,۷	۳۴,۲	۳۵,۱	۲۳,۲	۳۴,۲	۳۰,۳	۳۴,۲	بد	۲۷,۵	۳۵,۱	۲۹,۹	۳۴,۷	۳۵,۰	۳۶,۳	۲۴,۶	۲۹,۶	۲۳,۲	۳۴,۲	۳۰,۳	۱۹,۹
خیلی بد	۳۲,۵	۳۵,۹	۳۳,۴	۳۵,۰	۳۶,۳	۲۴,۶	۲۹,۶	۲۷,۲	۲۶,۶	۲۸,۳	بد	۲۷,۵	۳۵,۱	۲۹,۹	۳۴,۷	۳۵,۰	۳۶,۳	۲۴,۶	۲۹,۶	۲۳,۲	۳۴,۲	۳۰,۳	۱۹,۹
بد	۲۷,۵	۳۵,۱	۲۹,۹	۳۴,۷	۲۶,۰	۲۴,۱	۳۵,۳	۲۴,۳	۲۹,۳	۳۷,۷	پاسخ معتبر	۲۵۹۰	۲۶۱۰	۱۴۷۳	۱۴۷۳	۰,۰۹۴	-۰,۱۵۴	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱
پاسخ معتبر	۲۵۹۰	۲۶۱۰	۱۴۷۳	۱۴۷۳	۰,۰۲۶	-۰,۱۵۴	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	آماره	-۰,۱۱۱	۰,۰۲۶	-۰,۱۵۴	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱
آماره	-۰,۱۱۱	۰,۰۲۶	-۰,۱۵۴	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۱	۰,۱۸۹	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱

درخصوص نگرش نسبت به اداره کشور توسط نظامیان در هر دو موج پنجم زنان نگرش مثبت‌تر از مردان نشان داده‌اند اما این نگرش در هر دو گروه در موج هفتم تا حدی تغییرات مثبت بیشتری داشته است و افراد جامعه تمایل بیشتری به اداره جامعه توسط نظامیان پیدا کرده‌اند. همچنین برخلاف آن که انتظار می‌رود نسل جوان نسبت به نسل‌های قبل از خود به آزادی و دموکراسی گرایش بیشتری داشته باشند، گرایش به حکومت نظامیان در میان گروه سنی ۱۵-۲۹ سال نسبت به دو گروه سنی دیگر بیشتر است که هرچند شایسته تجزیه و تحلیل بیشتر می‌باشد اما بطور خلاصه می‌توان گفت نسل جدید تمایل بیشتری به آرمان‌های نظامی‌گرایانه از خود نشان داده‌اند و حاضر به قبول اداره جامعه توسط نظامیان بوده‌اند.

جدول شماره ۴: داشتن یک نظام سیاسی دموکراتیک

متغیر	موج ۵										نگرش
	موج ۷					موج ۵					
	جنس		سن			جنس		سن			
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	
خیلی خوب	۴۵,۱	۳۸,۲	۴۱,۹	۴۱,۳	۴۲,۳	۵۴,۴	۶۵,۴	۵۳,۲	۶۰,۵	۶۷,۶	
خوب	۴۹,۱	۵۲,۴	۵۱,۳	۵۰,۲	۴۹,۵	۴۱,۹	۳۲,۲	۴۲,۹	۳۶,۶	۳۰,۰	
خیلی بد	۳,۴	۷,۳	۴,۶	۶,۰	۶,۸	۲,۳	۲,۱	۳,۱	۲,۱	۱,۵	

ادامه جدول شماره ۴

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
بد		۲,۴	۲,۱	۲,۲	۲,۵	۱,۴	۱,۴	۱,۳	۰,۷	۰,۸	۰,۹
پاسخ معتبر		۲۶,۴			۲۶,۲۴		۱۴۷۶			۱۴۷۶	
آماره		۰,۰۷۵			۰,۰۰۸		۰,۱۱۵			-۰,۰۹۵	
سطح معنی‌داری		۰,۰۰۱			۰,۶۷۱		۰,۰۰۱			۰,۰۰۱	

نتایج حاصل از مطالعه بیانگران است که زنان در موج پنجم بیش از مردان به داشتن یک نظام سیاسی دموکراتیک علاقمند هستند. این نگرش در موج هفتم در میان هر دو گروه افزایش مثبتی داشته است، با این حال در میان مردان شاهد افزایش چشم‌گیرتری نسبت به زنان هستیم. همچنین در میان گروه‌های سنی مورد مطالعه نگرش به داشتن یک نظام سیاسی دموکراتیک تقریباً به‌طور برابر میزان مثبتی را نشان می‌دهد، این نگرش در موج هفتم نسبت به موج پنجم به میزان زیادی در هر سه گروه سنی روند مثبت و افزایشی داشته است، اما در این میان گروه سنی ۵۰ سال به بالا از سایر گروه‌های سنی این نگرش مثبت افزایش بیشتری را نشان می‌دهد، گروه سنی ۳۰-۴۹ در رتبه دوم و گروه سنی ۱۵-۲۹ در رتبه سوم قرار دارند، حال آنکه انتظار می‌رفت که این روند برعکس بوده باشد.

جدول شماره ۵: نظام مبتنی بر قوانین مذهبی

نگرش	متغیر	موج ۷				
		جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
خیلی خوب		۴۴,۳	۴۰,۹	۳۳,۱	۴۳,۳	۵۳,۰
خوب		۳۸,۳	۳۵,۷	۴۰,۳	۳۷,۲	۳۲,۲
خیلی بد		۸,۱	۹,۱	۱۱,۰	۸,۰	۶,۹
بد		۹,۳	۱۴,۳	۱۵,۶	۱۱,۵	۷,۸
پاسخ معتبر		۱۴۷۷	۱۴۷۷		۱۴۷۷	
آماره		-۰,۰۷۳			-۰,۱۴۳	
سطح معنی‌داری		۰,۰۰۵			۰,۰۰۱	

با توجه به جدول بالا، زنان به داشتن یک نظام سیاسی مبتنی بر قوانین مذهبی اعتقاد و گرایش بیشتری نسبت به مردان دارند از سوی دیگر، گرایش به چنین نظام سیاسی‌ای با افزایش سن بیشتر می‌شود به‌طوری که گرایش به یک نظام سیاسی با قوانین مذهبی در میان گروه سنی ۵۰ سال به بالا بیش از سایر گروه‌های سنی و در میان گروه سنی ۳۰-۴۹ سال بیش از گروه سنی ۱۵-۲۹ سال است.

۲. شاخص دموکراسی

در خصوص دموکراسی و تغییر نگرش به آن نیز در پیمایش ارزش‌های جهانی ۱۳ گویه در هر موج مورد بررسی قرار گرفته است که در سه گویه تفاوت‌های جزئی اما معناداری در نوع مطرح کردن آن وجود دارد. در ادامه به بررسی هر یک پرداخته شده است.

جدول شماره ۶: اخذ مالیات از ثروتمندان و اعطای یارانه به فقرا

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن		زن	جنس		سن		زن
		مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی	۹,۵	۱۰,۱	۱۰,۷	۹,۷	۶,۵	۶,۹	۶,۶	۷,۴	۷,۰	۵,۴	۵,۴
۲	۵,۵	۵,۳	۴,۹	۵,۷	۷,۵	۱,۱	۱,۳	۱,۲	۱,۱	۱,۵	۱,۵
۳	۴,۷	۵,۲	۶,۰	۴,۳	۲,۷	۱,۱	۰,۹	۰,۰	۱,۵	۱,۲	۱,۲
۴	۶,۱	۵,۰	۶,۸	۴,۷	۴,۱	۲,۱	۲,۳	۳,۱	۲,۱	۱,۲	۱,۲
۵	۱۰,۸	۱۱,۴	۱۱,۶	۱۰,۰	۱۰,۵	۱۲,۲	۱۲,۵	۱۴,۱	۱۱,۸	۱۱,۱	۱۱,۱
۶	۶,۵	۶,۰	۷,۳	۵,۹	۲,۷	۳,۶	۳,۰	۴,۳	۲,۹	۳,۰	۳,۰
۷	۹,۲	۸,۹	۹,۰	۹,۳	۸,۸	۸,۲	۶,۶	۷,۲	۸,۱	۶,۰	۶,۰
۸	۱۴,۷	۱۴,۶	۱۴,۱	۱۵,۵	۱۴,۶	۱۲,۲	۱۲,۶	۱۱,۰	۱۲,۹	۱۲,۹	۱۲,۹
۹	۱۳,۲	۱۳,۴	۱۱,۹	۱۴,۴	۱۶,۰	۵,۵	۴,۰	۶,۷	۴,۸	۲,۱	۲,۱
یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۱۹,۸	۲۰,۰	۱۷,۷	۲۰,۷	۲۶,۵	۴۷,۲	۵۰,۲	۴۵,۱	۴۷,۷	۵۵,۶	۵۵,۶
پاسخ معتبر	۲۶۱۳			۲۶۳۴		۱۴۷۸		۱۴۷۸			۱۴۷۸
آماره	۰,۰۰۳			۰,۰۸۵		-۰,۰۱۳				۰,۰۵۳	۰,۰۵۳
سطح معنی‌داری	۰,۸۶۷			۰,۰۰۱		۰,۶۱۵				۰,۰۴۰	۰,۰۴۰

همانطور که در جدول بالا آمده است، نگرش به اخذ مالیات از ثروتمندان و اعطای یارانه به فقرا در هر دو موج از نظر مردان بیش از زنان به عنوان یک شاخص ضروری برای دموکراسی مد نظر قرار گرفته است. این نگرش در هر دو گروه در موج هفتم افزایش مثبتی داشته است اما این افزایش در میان مردان بیش از زنان بوده است. در میان گروه‌های سنی نیز شاخص اخذ مالیات از ثروتمندان و اعطای یارانه به فقرا، در هر دو موج در میان گروه‌های سنی بالاتر بیش از گروه‌های سنی پایین‌تر است، یعنی با افزایش سن، این نگرش روند مثبت و افزایشی را طی می‌کند.

جدول شماره ۷: تفسیر قوانین توسط مراجع دینی

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن		زن	جنس		سن		زن
		مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی	۱۴,۹	۱۳,۴	۱۵,۵	۱۳,۶	۱۱,۵	۱۴,۲	۱۹,۷	۲۰,۴	۱۷,۵	۱۱,۷	۱۱,۷
۲	۸,۶	۷,۲	۹,۱	۶,۷	۷,۳	۶,۴	۶,۳	۳,۸	۷,۶	۶,۶	۶,۶
۳	۷,۹	۷,۶	۸,۸	۷,۲	۴,۲	۴,۴	۵,۷	۶,۳	۵,۲	۳,۳	۳,۳
۴	۷,۲	۹,۱	۹,۰	۷,۲	۷,۳	۸,۰	۵,۶	۸,۷	۶,۹	۴,۲	۴,۲
۵	۱۵,۱	۱۵,۱	۱۶,۰	۱۴,۱	۱۳,۳	۲۱,۹	۲۵,۳	۲۶,۹	۲۰,۹	۲۶,۲	۲۶,۲
۶	۹,۵	۹,۸	۹,۸	۹,۸	۱۰,۲	۷,۷	۶,۲	۴,۴	۶,۳	۴,۵	۴,۵
۷	۱۰,۴	۱۱,۱	۹,۵	۱۱,۹	۱۱,۹	۸,۲	۵,۵	۶,۰	۷,۶	۶,۰	۶,۰
۸	۹,۹	۱۰,۵	۸,۶	۱۱,۴	۱۲,۶	۱۰,۴	۸,۵	۷,۵	۹,۵	۱۱,۷	۱۱,۷
۹	۶,۹	۶,۸	۵,۶	۷,۵	۹,۸	۶,۱	۵,۵	۵,۳	۵,۸	۶,۳	۶,۳
یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۹,۵	۹,۴	۷,۹	۱۰,۱	۱۴,۳	۱۴,۲	۱۳,۷	۱۱,۱	۱۳,۲	۱۹,۳	۱۹,۳
پاسخ معتبر	۲۵۷۳			۲۵۹۵		۱۴۷۵		۱۴۷۵			۱۴۷۵
آماره	۰,۰۱۹			۰,۱۱۶		۰,۰۶۶				۰,۱۱۰	۰,۱۱۰
سطح معنی‌داری	۰,۳۳۸			۰,۰۰۱		۰,۰۱۱				۰,۰۰۱	۰,۰۰۱

اطلاعات ذکر شده در جدول بالا حاکی از آن است که در موج پنجم هر دو گروه زنان و مردان تقریباً به‌طور یکسان معتقدند که تفسیر قوانین توسط مراجع دینی شاخصی غیرضروری برای دموکراسی است. این نگرش در موج هفتم در هر دو گروه افزایش مثبتی داشته است اما در مردان بیش از زنان افزایش یافته است. یعنی مردان بیش از زنان به این باور رسیده‌اند که تفسیر قوانین توسط مراجع دینی شاخصی غیرضروری برای دموکراسی است. در میان گروه‌های سنی نیز باید اذعان داشت که با افزایش سن میزان نگرش به حکومت دینی افزایش می‌یابد و این موضوع در نتایج حاصل از مطالعه حاضر آشکار است. اما در موج هفتم شاهد این نکته هستیم که گروه سنی ۵۰ سال به بالا بیش از پیش به تفسیر قوانین توسط مراجع دینی گرایش پیدا کرده‌اند.

جدول شماره ۸: انتخاب رهبر توسط مردم در انتخابات آزاد

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن		زن	جنس		سن		زن
		مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی		۳,۷	۳,۲	۳,۹	۳,۱	۲,۴	۲,۹	۳,۳	۳,۶	۲,۸	۳,۳
۲		۲,۴	۱,۹	۲,۶	۱,۶	۲,۴	۰,۸	۰,۷	۱,۰	۰,۸	۰,۳
۳		۲,۶	۱,۱	۲,۳	۱,۶	۱,۰	۱,۷	۱,۷	۲,۴	۰,۷	۳,۰
۴		۲,۰	۲,۰	۲,۱	۱,۸	۲,۴	۲,۸	۱,۳	۲,۴	۲,۲	۱,۲
۵		۵,۰	۴,۵	۴,۸	۴,۰	۴,۵	۱۵,۵	۱۲,۷	۱۵,۹	۱۵,۳	۹,۴
۶		۴,۸	۴,۱	۴,۵	۴,۳	۴,۲	۶,۷	۴,۹	۷,۹	۵,۱	۴,۵
۷		۷,۲	۷,۰	۶,۳	۸,۱	۸,۰	۶,۳	۵,۷	۷,۰	۶,۴	۳,۹
۸		۱۴,۷	۱۵,۳	۱۳,۶	۱۶,۱	۱۷,۰	۱۲,۵	۱۲,۲	۹,۱	۱۴,۳	۱۲,۱
۹		۱۷,۲	۱۹,۸	۱۷,۲	۱۹,۲	۲۲,۵	۶,۷	۴,۰	۶,۷	۴,۴	۵,۵
یک شاخص ضروری برای دموکراسی		۴۰,۴	۴۱,۱	۴۲,۵	۴۰,۱	۳۵,۶	۴۴,۰	۵۳,۴	۴۴,۰	۴۸,۰	۵۶,۷
پاسخ معتبر		۲۵۹۲			۲۶۱۳		۱۴۶۷			۱۴۶۷	
آماره		-۰,۰۴۴			۰,۰۲۲		-۰,۰۶۶			۰,۰۸۷	
سطح معنی‌داری		۰,۰۲۶			۰,۲۶۶		۰,۰۱۱			۰,۰۰۱	

با توجه به جدول بالا انتخاب رهبر توسط مردم در انتخابات آزاد در میان زنان و مردان یک شاخص ضروری برای دموکراسی بوده و در میان مردان بیش از زنان بر ضروری بودن این شاخص برای دموکراسی تأکید شده است. این شاخص در موج هفتم روند مثبت و افزایشی را در میان هر دو گروه جنسی داشته است و در میان مردان به مراتب بیشتر از زنان افزایش یافته است. در میان گروه‌های سنی مورد مطالعه نیز، در موج پنجم شاهد آن هستیم که با افزایش سن میزان نگرش به موضوع انتخاب رهبر توسط مردم در انتخابات آزاد به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی، کاهش یافته است اما در موج هفتم نه تنها با گذشت زمان بلکه با افزایش سن نیز میزان نگرش به این موضوع روند مثبت افزایشی داشته است.

جدول شماره ۹: مردم در صورت بیکاری از دولت کمک دریافت می‌کنند

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن		زن	جنس		سن		زن
		مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	مرد	زن	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی		۴,۳	۴,۵	۴,۹	۴,۴	۲,۴	۴,۴	۶,۶	۶,۰	۴,۹	۶,۲
۲		۲,۶	۲,۵	۲,۹	۲,۳	۲,۰	۱,۴	۰,۵	۱,۲	۱,۰	۰,۶
۳		۲,۷	۲,۵	۳,۰	۱,۹	۳,۰	۱,۷	۱,۲	۲,۲	۱,۲	۰,۹

ادامه جدول شماره ۹

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
۴		۳,۶	۲,۱	۳,۱	۲,۷	۲,۷	۲,۷	۲,۴	۲,۴	۱,۷	۲,۹
۵		۶,۶	۶,۳	۶,۷	۵,۷	۵,۴	۱۳,۴	۱۲,۷	۱۴,۵	۱۲,۵	۱۲,۵
۶		۵,۸	۵,۶	۵,۶	۶,۱	۴,۷	۴,۸	۴,۴	۵,۵	۴,۰	۴,۷
۷		۸,۴	۷,۹	۷,۷	۸,۸	۸,۴	۷,۶	۹,۰	۱۱,۱	۸,۴	۴,۷
۸		۱۵,۲	۱۶,۱	۱۴,۲	۱۷,۴	۱۵,۹	۱۲,۷	۱۴,۹	۱۳,۰	۱۴,۱	۱۴,۲
۹		۱۹,۰	۲۰,۱	۱۹,۱	۱۹,۹	۲۱,۳	۶,۵	۵,۵	۶,۰	۶,۵	۵,۰
	یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۳۱,۸	۳۲,۴	۳۲,۸	۳۰,۷	۳۴,۱	۴۵,۱	۴۲,۸	۳۸,۸	۴۴,۵	۴۹,۰
	پاسخ معتبر	۲۶۱۳	۲۶۳۴				۱۴۸۰	۱۴۸۰			۱۴۸۰
	آماره	-۰,۰۱۹	۰,۰۴۰				۰,۰۲۲	۰,۰۵۶			۰,۰۳۲
	سطح معنی‌داری	۰,۳۲۷	۰,۰۳۹				۰,۳۹۸	۰,۰۳۲			۰,۰۳۲

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌کنیم، در هر دو موج مورد مطالعه دریافت کمک‌های بیکاری از دولت برای زنان و مردان به‌عنوان یک شاخص ضروری برای دموکراسی تلقی شده است اما این نوع تلقی در موج پنجم در میان زنان کمتر از مردان و برعکس در موج هفتم در میان مردان کمتر از زنان بوده است. از سوی دیگر نوع نگرش به کمک‌های بیکاری به مردم توسط دولت، در میان گروه‌های سنی در هر دو موج به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی، مثبت بوده است و در موج هفتم در میان هر سه گروه سنی روند مثبت و افزایشی داشته است. یعنی با گذر زمان افراد بیشتر به کمک‌های بیکاری دولت به افراد جامعه به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی می‌نگرند. همچنین، با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که این نوع نگرش با افزایش سن افزایش می‌یابد به‌طوری‌که برای مثال در میان گروه سنی ۵۰ سال به بالا چنین تلقی‌ای بیش از سایر گروه‌های سنی مورد مطالعه است.

جدول شماره ۱۰: در صورت ناتوانی دولت، ارتش قدرت را در دست می‌گیرد

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
	یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی	۱۵,۴	۲۰,۶	۱۹,۲	۱۸,۸	۱۱,۷	۲۵,۴	۳۱,۰	۲۵,۶	۲۸,۹	۲۹,۴
۲		۹,۴	۹,۳	۹,۴	۹,۶	۷,۹	۴,۸	۸,۲	۴,۱	۶,۳	۱۰,۳
۳		۹,۶	۹,۲	۱۰,۲	۸,۷	۷,۹	۵,۱	۶,۳	۵,۷	۵,۷	۵,۷
۴		۷,۵	۸,۱	۷,۷	۶,۹	۱۱,۰	۶,۴	۵,۶	۶,۷	۵,۴	۶,۴
۵		۱۴,۷	۱۲,۸	۱۳,۹	۱۴,۰	۱۱,۴	۲۵,۶	۲۵,۱	۲۸,۹	۲۵,۲	۲۱,۲
۶		۱۰,۳	۹,۴	۱۰,۱	۹,۱	۱۱,۴	۷,۳	۶,۸	۶,۲	۷,۱	۸,۲
۷		۹,۱	۹,۲	۸,۴	۹,۳	۱۲,۱	۵,۳	۳,۶	۴,۳	۵,۴	۲,۴
۸		۹,۹	۷,۳	۸,۳	۹,۰	۷,۲	۹,۶	۴,۸	۶,۷	۷,۲	۷,۶
۹		۶,۰	۶,۲	۵,۷	۶,۴	۶,۹	۳,۹	۳,۶	۵,۳	۳,۲	۳,۰
	یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۸,۱	۷,۸	۷,۰	۷,۹	۱۲,۴	۶,۹	۴,۸	۶,۵	۵,۶	۵,۸
	پاسخ معتبر	۲۵۷۲	۲۵۹۴				۱۴۶۷	۱۴۶۷			۱۴۶۷
	آماره	۰,۰۵۱	۰,۰۶۹				۰,۱۱۶	-۰,۰۵۸			۰,۰۲۷
	سطح معنی‌داری	۰,۰۱۰	۰,۰۰۱				۰,۰۰۱	۰,۰۲۷			۰,۰۲۷

با توجه به جدول بالا، تقریباً در میان تمام گروه‌های سنی و جنسی مورد مطالعه در دست گرفتن قدرت در صورت ناتوانی دولت، به‌عنوان شاخصی غیر ضروری برای دموکراسی تلقی شده است. این نوع نگرش در میان مردان بیش از زنان و در موج هفتم بیش از موج پنجم به چشم می‌خورد. در میان گروه‌های سنی اما این نوع نگرش کمی متفاوت‌تر از آن چیزی است که انتظار می‌رود، به‌طور مثال؛ انتظار می‌رود که جوانان کمتر از افراد میان‌سال به حکومت‌های نظامی گرایش داشته باشند و خواهان آزادی بیشتری باشند، اما اگرچه که در موج پنجم جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی حاکمیت ارتش را در صورت ناتوانی دولت شاخصی غیر ضروری برای دموکراسی می‌دانند، این امر در موج هفتم کاملاً برعکس می‌شود و با افزایش سن نگرش به حاکمیت نظامیان در صورت ناتوانی دولت، روند منفی و کاهشی را دارد. به‌طوری که افراد ۵۰ سال به بالا بیش از سایر گروه‌های سنی این امر را شاخصی غیر ضروری برای دموکراسی تلقی کرده‌اند.

جدول شماره ۱۱: محافظت حقوق مدنی از آزادی مردم در برابر ظلم

متغیر	موج ۵										موج ۷	
	جنس					سن					جنس	
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	سن	جنس
نگرش												
یک شاخص غیر ضروری برای دموکراسی	۳,۸	۲,۵	۳,۹	۲,۵	۲,۱	۳,۵	۲,۳	۳,۶	۲,۹	۱,۸	زن	مرد
۲	۲,۲	۲,۲	۲,۸	۱,۸	۲,۱	۰,۴	۱,۲	۱,۰	۰,۸	۰,۶	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
۳	۲,۴	۲,۵	۳,۲	۲,۱	۰,۷	۰,۴	۱,۲	۱,۲	۰,۶	۰,۹	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹
۴	۲,۹	۳,۶	۳,۶	۲,۴	۴,۸	۱,۷	۰,۷	۱,۹	۱,۰	۰,۶	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
۵	۹,۲	۷,۲	۸,۹	۶,۹	۷,۲	۱۱,۲	۸,۲	۱۱,۵	۱۰,۲	۶,۱	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹
۶	۷,۰	۶,۱	۶,۴	۶,۷	۶,۸	۵,۷	۵,۶	۶,۷	۵,۱	۵,۵	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
۷	۱۰,۳	۹,۷	۹,۰	۱۱,۴	۹,۶	۶,۳	۵,۴	۷,۷	۵,۷	۴,۰	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹
۸	۱۵,۶	۱۶,۲	۱۴,۸	۱۷,۲	۱۵,۴	۱۰,۹	۱۱,۷	۱۱,۲	۱۱,۷	۱۰,۴	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
۹	۱۷,۴	۱۷,۹	۱۷,۸	۱۷,۵	۱۷,۸	۸,۱	۸,۰	۷,۴	۹,۰	۶,۴	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹
یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۲۹,۱	۳۲,۲	۲۹,۶	۳۱,۶	۳۳,۶	۵۱,۸	۵۵,۸	۴۷,۸	۵۳,۱	۶۳,۳	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
پاسخ معتبر	۲۵۸۳		۲۶۰۴			۱۴۷۰		۱۴۷۰			۱۴۷۰	
آماره	-۰,۰۴۴		۰,۰۶۴			-۰,۰۴۸					۰,۱۱۲	
سطح معنی‌داری	۰,۰۲۵		۰,۰۰۱			۰,۰۶۷					۰,۰۰۱	

جدول بالا حاکی از آن است که محافظت حقوق مدنی از مردم در برابر ظلم، در میان هر دو گروه سنی و جنسی به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی مدنظر قرار گرفته است و در هر دو گروه سنی و جنسی در موج هفتم نگرش به این شاخص روند مثبت افزایشی داشته است. نتایج نشان می‌دهند که مردان بیش از زنان در هر دو موج به این شاخص به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی توجه دارند و با افزایش سن میزان نگرش به شاخص مذکور به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۲: اقتصاد در حال رشد

متغیر	موج ۵										موج ۷	
	جنس					سن					جنس	
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	سن	جنس
نگرش												
یک شاخص غیر ضروری برای دموکراسی	۴,۹	۴,۱	۵,۲	۴,۵	۱,۴	۶,۰	۸,۱	۶,۴	۷,۸	۶,۳	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹
۲	۱,۶	۱,۹	۲,۲	۱,۲	۲,۱	۳,۶	۴,۱	۲,۶	۴,۴	۴,۲	۵۰ به بالا	۳۰-۴۹
۳	۲,۱	۱,۵	۱,۹	۱,۸	۱,۴	۳,۰	۳,۷	۴,۵	۲,۷	۳,۳	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹

ادامه جدول شماره ۱۲

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
۴		۲,۷	۲,۲	۲,۸	۲,۰	۲,۴	۴,۸	۴,۳	۵,۳	۶,۴	۴,۹
۵		۴,۹	۵,۶	۴,۸	۵,۲	۵,۵	۱۲,۲	۱۲,۸	۱۶,۲	۱۰,۲	۱۲,۹
۶		۶,۳	۴,۶	۵,۴	۵,۶	۴,۵	۴,۸	۳,۷	۴,۳	۴,۹	۲,۷
۷		۷,۸	۹,۶	۸,۹	۸,۳	۹,۶	۸,۵	۶,۵	۶,۲	۷,۹	۸,۱
۸		۱۴,۹	۱۲,۴	۱۳,۰	۱۵,۵	۱۰,۶	۱۱,۱	۸,۳	۹,۳	۱۰,۰	۹,۶
۹		۱۸,۵	۲۰,۰	۱۸,۴	۱۹,۷	۲۱,۲	۳,۸	۲,۱	۲,۹	۳,۳	۲,۴
	یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۳۶,۲	۳۸,۲	۳۷,۳	۳۶,۳	۴۱,۴	۴۲,۱	۴۵,۴	۴۱,۲	۴۳,۹	۴۷,۰
	پاسخ معتبر	۲۶۰۴	۲۶۲۴				۱۴۸۶	۱۴۸۶			۱۴۸۶
	آماره	-۰,۰۲۹	۰,۰۵۲				۰,۰۲۵	۰,۰۲۵			۰,۰۳۷
	سطح معنی‌داری	۰,۱۴۳	۰,۰۰۸				۰,۳۲۹	۰,۳۲۹			۰,۱۵۵

براساس آمارهای ارائه شده در جدول بالا، در هر دو موج و در میان هر دو گروه سنی و جنسی مورد مطالعه، به اقتصاد در حال رشد به‌عنوان شاخص ضروری برای دموکراسی توجه شده است. اما این نگرش در میان مردان بیش از زنان و در میان گروه سنی ۵۰ سال به بالا بیش از سایر گروه‌های سنی به چشم می‌خورد. همچنین در موج هفتم شاهد روند مثبت و افزایشی چنین نگرشی در جامعه هستیم.

جدول شماره ۱۳: مجرمان به شدت مجازات می‌شوند

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
	یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی	۶,۵	۵,۱	۶,۶	۵,۶	۲,۷	۱۰,۶	۱۲,۷	۹,۹	۱۳,۱	۱۰,۶
۲		۲,۷	۳,۰	۳,۴	۲,۰	۳,۷	۳,۹	۴,۴	۴,۳	۳,۶	۵,۳
۳		۳,۲	۳,۹	۴,۴	۲,۶	۲,۷	۳,۵	۲,۰	۲,۹	۳,۲	۱,۶
۴		۳,۷	۲,۵	۳,۳	۲,۸	۲,۴	۳,۹	۳,۲	۵,۰	۲,۹	۳,۱
۵		۶,۸	۶,۷	۷,۵	۶,۰	۴,۷	۲۵,۸	۲۴,۵	۳۰,۳	۲۴,۲	۲۰,۶
۶		۵,۰	۵,۰	۵,۳	۴,۵	۵,۸	۶,۲	۴,۲	۷,۵	۴,۶	۳,۴
۷		۷,۱	۹,۵	۸,۶	۸,۱	۷,۵	۹,۷	۶,۶	۹,۱	۷,۷	۷,۸
۸		۱۳,۰	۱۲,۸	۱۲,۶	۱۲,۴	۱۵,۶	۱۳,۲	۱۲,۸	۱۱,۵	۱۳,۳	۱۴,۳
۹		۱۵,۲	۱۴,۵	۱۴,۲	۱۶,۴	۱۲,۹	۴,۱	۲,۷	۳,۴	۳,۶	۲,۸
	یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۳۶,۸	۳۷,۰	۳۴,۰	۳۹,۶	۴۲,۰	۱۹,۰	۲۶,۸	۱۶,۱	۲۳,۶	۳۰,۵
	پاسخ معتبر	۲۶۱۲	۲۶۳۳				۱۴۵۲	۱۴۵۲			۱۴۵۲
	آماره	-۰,۰۱۳	۰,۰۸۹				-۰,۰۳۰	-۰,۰۳۰			۰,۰۸۳
	سطح معنی‌داری	۰,۵۱۷	۰,۰۰۱				۰,۲۵۵	۰,۲۵۵			۰,۰۰۲

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌کنیم، در موج پنجم شاخص مجازات مجرمان به‌عنوان شاخص ضروری در دموکراسی برای هر دو گروه سنی و جنسی تلقی شده است. در این میان مردان بیش از زنان این شاخص را برای دموکراسی ضروری می‌دانند. همچنین با افزایش سن نیز ضروری تلقی کردن این شاخص برای دموکراسی، افزایش می‌یابد. در موج

هفتم شاخص مورد بررسی، اطاعت از قوانین است که در میان مردان بیش از زنان به‌عنوان شاخصی برای دموکراسی تلقی شده است. همچنین با افزایش سن میزان تلقی این شاخص به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی افزایش یافته است.

جدول شماره ۱۴: مردم می‌توانند قوانین را از طریق رفتارند تغییر دهند

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی		۴,۰	۳,۸	۴,۴	۳,۱	۳,۸	۲,۵	۶,۱	۱۶,۱	۱۶,۹	۱۲,۱
۲		۲,۸	۲,۲	۲,۲	۲,۹	۲,۴	۱,۹	۲,۸	۷,۰	۶,۹	۳,۹
۳		۳,۴	۲,۸	۳,۶	۲,۳	۳,۱	۲,۶	۲,۸	۳,۸	۴,۷	۳,۰
۴		۴,۴	۳,۴	۴,۰	۳,۵	۴,۲	۱,۵	۴,۰	۶,۷	۵,۱	۳,۰
۵		۱۰,۵	۹,۸	۱۰,۶	۹,۱	۱۰,۱	۶,۶	۱۷,۴	۱۷,۰	۱۷,۹	۱۹,۰
۶		۷,۹	۶,۵	۷,۹	۶,۹	۵,۲	۴,۳	۲,۸	۷,۷	۸,۵	۹,۴
۷		۸,۴	۱۰,۱	۱۰,۱	۸,۰	۱۰,۵	۱۰,۸	۵,۵	۱۶,۱	۱۰,۷	۱۳,۳
۸		۱۵,۷	۱۴,۱	۱۳,۰	۱۷,۴	۱۴,۳	۱۹,۲	۱۲,۸	۱۱,۵	۱۰,۷	۱۰,۹
۹		۱۵,۵	۱۶,۷	۱۶,۲	۱۵,۵	۱۷,۱	۶,۴	۶,۶	۵,۰	۶,۴	۵,۷
یک شاخص ضروری برای دموکراسی		۲۷,۵	۳۰,۷	۲۷,۸	۳۱,۴	۲۹,۰	۴۴,۲	۳۹,۳	۹,۱	۱۲,۲	۱۹,۶
پاسخ معتبر		۲۵۶۰			۲۵۷۷		۱۴۸۷			۱۴۶۹	
آماره		-۰,۰۴۴			۰,۰۳۹		۰,۱۴۱			۰,۰۹۲	
سطح معنی‌داری		۰,۰۲۷			۰,۰۴۸		۰,۰۰۱			۰,۰۰۱	

همانطور که در جدول بالا آمده است، تغییر قوانین توسط مردم از طریق رفتارندوم، در موج پنجم به‌عنوان شاخصی برای سنجش دموکراسی در نظر گرفته شده است. در میان گروه‌های جنسی مورد بررسی، این عامل در میان مردان بیش از زنان به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی تلقی شده است. همچنین در میان گروه‌های سنی مورد مطالعه گروه سنی ۴۹-۳۰ سال بیش از سایر گروه‌های این عامل را شاخصی ضروری برای دموکراسی مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر در موج هفتم، رضایتمندی از عملکرد سیاسی شاخص به‌عنوان شاخصی برای سنجش دموکراسی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که زنان بیش از مردان این عامل را به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی تلقی می‌کنند. همچنین نوع نگرش به این شاخص با سن رابطه دارد. یعنی با افزایش سن میزان تلقی این شاخص به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۵: زنان دارای حقوق برابر با مردان هستند

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
یک شاخص غیرضروری برای دموکراسی		۵,۲	۴,۷	۶,۶	۳,۹	۲,۱	۲,۵	۶,۱	۴,۵	۴,۴	۳,۹
۲		۲,۴	۲,۴	۲,۸	۲,۲	۱,۴	۱,۹	۲,۸	۲,۶	۲,۶	۱,۵
۳		۲,۶	۳,۷	۳,۶	۳,۰	۱,۷	۲,۶	۲,۸	۱,۹	۳,۸	۱,۲
۴		۲,۱	۴,۴	۲,۷	۳,۲	۴,۸	۱,۵	۴,۰	۳,۱	۳,۱	۱,۵
۵		۷,۷	۱۰,۱	۸,۹	۷,۹	۱۱,۶	۶,۶	۱۷,۴	۱۲,۰	۱۱,۶	۱۳,۴
۶		۵,۵	۷,۸	۶,۴	۶,۸	۸,۲	۴,۳	۲,۸	۳,۸	۳,۵	۳,۰

ادامه جدول شماره ۱۵

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
۷		۶,۸	۹,۸	۸,۱	۹,۰	۷,۲	۱۰,۸	۵,۵	۹,۳	۸,۶	۵,۷
۸		۱۳,۷	۱۲,۶	۱۲,۶	۱۴,۱	۱۳,۴	۱۹,۲	۱۲,۸	۱۴,۴	۱۷,۳	۱۴,۹
۹		۱۳,۸	۱۴,۱	۱۲,۴	۱۵,۱	۱۶,۴	۶,۴	۶,۶	۵,۷	۶,۱	۸,۴
	یک شاخص ضروری برای دموکراسی	۴۰,۲	۳۰,۴	۳۶,۲	۳۴,۷	۳۳,۲	۴۴,۲	۳۹,۳	۴۲,۶	۳۹,۰	۴۶,۶
	پاسخ معتبر	۲۶۰۵			۲۶۲۵		۱۴۸۷			۱۴۸۷	
	آماره	۰,۰۸۵			۰,۰۴۳		۰,۱۴۱			۰,۰۴۰	
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۱			۰,۰۲۶		۰,۰۰۱			۰,۱۲۳	

نتایج نشان بیان‌گر این امر هستند که، تلقی برابری حقوق زنان و مردان به‌عنوان شاخصی برای دموکراسی در هر دو موج و در میان هر دو گروه جنسی و سنی افزایش یافته است. اما زنان، برابری حقوق زن و مرد را در هر دو موج بیش از مردان عاملی برای دموکراسی دانسته‌اند. همچنین در میان گروه‌های سنی ۱۵-۲۹ و ۵۰ سال به بالا برابری حقوق زنان و مردان بیش از گروه سنی ۳۰-۴۹ به‌عنوان شاخصی ضروری برای دموکراسی تلقی شده است.

جدول شماره ۱۶: اهمیت دموکراسی

نگرش	متغیر	موج ۵					موج ۷				
		جنس		سن			جنس		سن		
		زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
کاملاً بی‌اهمیت		۲,۸	۲,۱	۲,۹	۲,۱	۲,۱	۲,۵	۱,۸	۳,۳	۱,۶	۱,۸
۲		۰,۸	۰,۹	۱,۱	۰,۵	۱,۳	۰,۶	۰,۱	۰,۵	۰,۳	۰,۳
۳		۲,۳	۱,۴	۲,۱	۱,۸	۱,۰	۰,۶	۰,۳	۰,۵	۰,۵	۰,۰
۴		۲,۷	۲,۴	۲,۵	۲,۵	۳,۰	۰,۶	۰,۱	۰,۰	۰,۷	۰,۰
۵		۱۲,۱	۹,۱	۹,۲	۱۰,۴	۱۴,۴	۷,۹	۵,۸	۸,۹	۶,۰	۶,۰
۶		۷,۹	۶,۸	۷,۴	۶,۹	۸,۴	۳,۳	۲,۵	۲,۹	۳,۲	۲,۴
۷		۹,۸	۱۰,۰	۸,۵	۱۱,۳	۱۰,۷	۵,۷	۵,۹	۹,۱	۵,۲	۳,۰
۸		۱۵,۸	۱۵,۴	۱۶,۳	۱۶,۳	۱۱,۱	۱۳,۳	۱۰,۵	۱۵,۳	۱۲,۲	۶,۹
۹		۱۴,۷	۱۳,۲	۱۳,۳	۱۴,۱	۱۷,۱	۵,۸	۴,۶	۷,۴	۴,۴	۴,۲
کاملاً مهم		۳۱,۰	۳۸,۷	۳۶,۷	۳۴,۱	۳۰,۹	۵۹,۷	۶۸,۴	۵۲,۲	۶۵,۸	۷۵,۵
	پاسخ معتبر	۲۶۱۶			۲۶۳۷		۱۴۸۲			۱۴۸۲	
	آماره	-۰,۰۷۸			-۰,۰۱۹		-۰,۰۸۵			۰,۱۳۱	
	سطح معنی‌داری	۰,۰۰۱			۰,۳۲۷		۰,۰۰۱			۰,۰۰۱	

نتایج مطالعات پیمایش ارزش‌های جهانی بیان‌گر این امر است که همه گروه‌های سنی و جنسی در هر دو موج مورد بررسی اهمیت دموکراسی را شاخصی کاملاً مهم تلقی می‌کنند. این نوع تلقی در میان مردان در هر دو موج بیش از زنان بوده است و در موج هفتم در هر دو گروه جنسی شاهد افزایش چشم‌گیر آن هستیم. همچنین در میان گروه‌های سنی مورد مطالعه در موج پنجم با کمتر شدن سن میزان بااهمیت تلقی کردن دموکراسی افزایش یافته است اما در موج هفتم این امر کاملاً برعکس شده و با افزایش سن اهمیت دموکراسی افزایش یافته است.

جدول شماره ۱۷: امروزه چقدر جامعه شما به صورت دموکراتیک اداره می‌شود

متغیر	موج ۵					موج ۷				
	جنس		سن			جنس		سن		
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
کاملاً غیردموکراتیک	۹,۲	۷,۶	۹,۷	۷,۳	۶,۱	۱۰,۹	۱۱,۲	۹,۴	۱۲,۷	۹,۶
۲	۴,۹	۷,۰	۵,۱	۶,۳	۸,۵	۳,۴	۴,۸	۵,۸	۴,۰	۲,۲
۳	۹,۴	۱۰,۶	۱۱,۰	۹,۲	۷,۸	۲,۱	۳,۵	۳,۴	۲,۹	۱,۹
۴	۱۰,۲	۹,۹	۱۱,۱	۹,۴	۹,۲	۵,۱	۳,۷	۳,۹	۴,۶	۴,۶
۵	۲۰,۷	۲۲,۳	۲۰,۳	۲۲,۶	۲۲,۰	۱۸,۶	۱۳,۵	۱۸,۴	۱۴,۵	۱۶,۰
۶	۱۵,۵	۱۵,۲	۱۴,۸	۱۵,۶	۱۷,۶	۷,۶	۵,۱	۶,۳	۶,۴	۶,۲
۷	۱۲,۷	۱۲,۲	۱۱,۸	۱۳,۱	۱۲,۵	۱۱,۹	۹,۶	۱۳,۱	۱۲,۰	۴,۹
۸	۸,۹	۸,۰	۸,۷	۸,۲	۷,۸	۱۳,۰	۱۴,۴	۱۶,۷	۱۲,۸	۱۲,۰
۹	۴,۴	۳,۷	۴,۱	۴,۰	۳,۷	۸,۵	۶,۶	۷,۳	۶,۷	۹,۶
کاملاً دموکراتیک	۴,۲	۳,۶	۳,۴	۴,۴	۴,۷	۱۸,۸	۲۷,۵	۱۵,۷	۲۳,۳	۳۳,۰
پاسخ معتبر	۲۵۹۶	۲۶۱۸	۱۴۵۴	۱۴۵۴	۰,۰۹۶	۰,۰۴۴	۰,۰۹۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱
آماره	۰,۰۲۵	۰,۰۳۷	۰,۰۵۵	۰,۰۴۴	۰,۰۹۶	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴
سطح معنی‌داری	۰,۲۰۱	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵

در خصوص میزان دموکراسی در جامعه در موج پنجم بیشتر افراد گزینه ۵ را انتخاب کرده‌اند که می‌توان متوسط بودن میزان دموکراسی در جامعه را از آن استنباط کرد. این میزان در میان مردان بیش از زنان بوده است. اما در موج هفتم این نگرش در میان هر دو گروه روند مثبت و افزایشی را داشته است به‌طوری که بیشتر از موج پنجم معتقد بوده‌اند که جامعه به‌صورت دموکراتیک اداره می‌شود، اما این نوع نگرش در موج هفتم نیز در میان مردان بیش از زنان بوده است. در میان گروه‌های سنی نیز نتایج حاکی از آن است که در هر دو موج مورد بررسی با افزایش سن افراد بیشتر اداره جامعه را دموکراتیک تلقی می‌کنند. همچنین این نوع نگرش در موج هفتم در مقایسه با موج پنجم در میان هر سه گروه سنی افزایش قابل توجهی داشته است.

جدول شماره ۱۸: احترام به حقوق فردی انسان‌ها در عصر حاضر

متغیر	موج ۵					موج ۷				
	جنس		سن			جنس		سن		
	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا	زن	مرد	۱۵-۲۹	۳۰-۴۹	۵۰ به بالا
خیلی زیاد	۴,۳	۵,۱	۳,۶	۵,۳	۶,۹	۹,۷	۱۰,۱	۸,۴	۹,۱	۱۳,۴
تا حدی	۳۲,۰	۲۹,۵	۲۹,۲	۳۲,۲	۳۳,۶	۵۵,۶	۵۶,۲	۵۶,۸	۵۵,۶	۵۵,۴
کم	۵۲,۹	۵۲,۳	۵۶,۳	۵۰,۳	۴۵,۷	۲۶,۲	۲۳,۱	۲۴,۹	۲۶,۰	۲۱,۱
اصلاً	۱۰,۷	۱۳,۱	۱۱,۰	۱۲,۱	۱۳,۸	۸,۶	۱۰,۶	۹,۸	۹,۳	۱۰,۱
پاسخ معتبر	۲۵۹۵	۲۶۱۶	۱۴۸۷	۱۴۸۷	۰,۰۹۶	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴
آماره	۰,۰۲۴	۰,۰۴۲	۰,۰۵۵	۰,۰۴۴	۰,۰۹۶	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴	۰,۰۴۴
سطح معنی‌داری	۰,۲۱۶	۰,۰۳۲	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵	۰,۰۵۵

آخرین گویه مورد بررسی در خصوص دموکراسی، احترام به حقوق فردی انسان‌ها در عصر حاضر است که در موج پنجم در میان گروه‌های جنسی مورد مطالعه، کم ارزیابی شده است. همچنین این شاخص در میان مردان تا حدی کمتر از زنان

ارزیابی شده است. اما در موج هفتم تغییر قابل توجهی را در این ارزیابی شاهد هستیم، به گونه‌ای که هر دو گروه زنان و مردان احترام به حقوق فردی انسان‌ها در عصر حاضر را تا حدی مثبت ارزیابی کرده‌اند. در این موج نیز تغییر در نوع نگرش مردان بیش از زنان بوده است. در میان گروه‌های سنی نیز مشابه با گروه‌های جنسی، در موج پنجم نوع نگرش به شاخص احترام به حقوق فردی انسان‌ها منفی بوده است اما در موج پنجم رشد قابل توجهی را در هر سه گروه سنی مورد مطالعه شاهد هستیم. در این میان در موج هفتم افراد گروه سنی پایین‌تر نگرش مثبت‌تری به این شاخص دارند، حال آنکه در موج پنجم این نوع نگرش کاملاً برعکس بوده است و افراد با سنین بالاتر نگرش مثبت‌تری نسبت به شاخص مورد بررسی داشته‌اند.

تحلیل رگرسیون

در ادامه به تحلیل رگرسیونی دو شاخص نگرش به نظام سیاسی و نیز نگرش به دموکراسی براساس گروه سنی و جنسی و مقایسه آنها در دو موج پنجم پرداخته شده است.

جدول شماره ۱۹: خلاصه مدل رگرسیونی نگرش به نظام سیاسی و نگرش به دموکراسی در موج ۵

متغیر	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ² Adj.)	خطای معیار برآورد	F	مقدار احتمال Sig.
نظام سیاسی	.۰۴۹ ^a	.۰۰۲	.۰۰۲	۱.۹۲۸۵۵	۳.۱۰۰	.۰۴۵
نگرش به دموکراسی	.۰۹۶ ^a	.۰۰۹	.۰۰۸	۱۶.۷۳۷۶۲	۱۱.۲۲۹	.۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۰۴۹ است که نشانه همبستگی ضعیف بین متغیرهای مستقل و وابسته است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده می‌توان ادعا کرد که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۰/۰۰۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته نظام سیاسی را تبیین نمایند، همچنین مدل رگرسیونی نگرش به دموکراسی در موج ۵ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۰۹۶ است، که نشان‌دهنده همبستگی ضعیفی بین متغیرهای پیش‌بین و نگرش به دموکراسی است. ضریب تعیین (R²) مقدار ۰/۰۰۹ را نشان می‌دهد که فقط ۰/۰۹٪ از واریانس نگرش به دموکراسی توسط مدل توضیح داده می‌شود.

جدول شماره ۲۰: نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک نگرش به نظام سیاسی موج ۵

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		t	Sig.
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
مقدار ثابت	۹.۴۲۰	۱.۵۴	—	—	۶۰.۹۸۵	.۰۰۰
نظام سیاسی	—	—	—	—	—	—
جنس	-.۰۸۵	.۰۷۷	-.۰۲۲	.۰۷۷	-۱.۱۰۶	.۲۶۹
گروه سنی	-.۱۲۹	.۰۵۷	-.۰۴۵	.۰۵۷	-۲.۲۸۴	.۰۲۲
مقدار ثابت	۸۰.۴۹۰	۱.۳۶۷	—	—	۵۸.۸۸۷	.۰۰۰
نگرش به دموکراسی	—	—	—	—	—	—
جنس	-.۰۴۲	.۰۶۸۴	-.۰۰۱	.۰۶۸۴	-.۰۶۱	.۹۵۱
گروه سنی	۲.۳۸۶	.۵۰۴	.۰۹۶	.۵۰۴	۴.۷۳۳	.۰۰۰

نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که از بین متغیرهای جنسیت و گروه سنی، تنها گروه سنی تأثیر معناداری بر نگرش به نظام سیاسی دارد، به طوری که با افزایش سن، نگرش به نظام سیاسی به میزان اندکی کاهش می‌یابد ($B=-0.129, p<0.05$). جنسیت تأثیر معناداری بر نگرش به نظام سیاسی ندارد ($p>0.05$) مقدار ثابت (۹/۴۲۰) نشان‌دهنده میانگین نگرش به نظام سیاسی در صورتی است که اثر متغیرهای جنسیت و گروه سنی صفر در نظر گرفته شود. به طور کلی، مدل ارائه شده نشان می‌دهد که گروه سنی به تنهایی قادر به تبیین تغییرات نگرش به نظام سیاسی نیست و احتمالاً عوامل دیگری نیز در این زمینه دخیل هستند. همچنین در مدل رگرسیونی نگرش به دموکراسی در موج ۵، گروه سنی ($B=2.386, p<0.001$) تأثیر

معناداری بر نگرش به دموکراسی دارد، در حالی که جنسیت ($B=-.042, p=.951$) تأثیر معناداری ندارد. با افزایش سن، نگرش به دموکراسی به طور متوسط ۲,۳۸۶ واحد افزایش می‌یابد. به طور خلاصه، فقط سن به طور معناداری با نگرش به دموکراسی مرتبط است و افزایش سن با نگرش مثبت‌تر به دموکراسی همراه است. جنسیت در این مدل تأثیر معناداری ندارد.

جدول شماره ۲۱: خلاصه مدل رگرسیونی نگرش به نظام سیاسی و نگرش به دموکراسی در موج ۷

متغیر	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده (R^2 Adj.)	خطای معیار برآورد	F	مقدار احتمال Sig.
نظام سیاسی	.۱۰۱ ^a	.۰۱۰	.۰۰۹	۲.۱۲۱۰۱	۷.۳۵۸	.۰۰۱
نگرش به دموکراسی	.۱۵۵ ^a	.۰۲۴	.۰۲۲	۱۴.۲۹۸۴۱	۱۶.۸۲۴	.۰۰۰

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۱۰۱ است که نشان از همبستگی ضعیف بین متغیرهای مستقل و وابسته دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده می‌توان ادعا کرد که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۰/۱۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. همچنین مدل رگرسیونی نگرش به دموکراسی در موج ۷ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۱۵۵ است، که نشان‌دهنده همبستگی ضعیفی بین متغیرهای پیش‌بین و نگرش به دموکراسی است. ضریب تعیین (R^2) مقدار ۰/۰۲۴ را نشان می‌دهد که فقط ۰/۰۲۴٪ از واریانس نگرش به دموکراسی توسط مدل توضیح داده می‌شود.

جدول شماره ۲۲: نتایج تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک نگرش به نظام سیاسی و دموکراسی موج ۷

Sig.	t	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	خطای استاندارد	B		
.۰۰۱	۴۶.۸۳۶	—	.۲۴۴	۱۱.۴۲۷	مقدار ثابت	نظام سیاسی
.۰۰۱	-۳.۴۱۰	-.۰۹۰	.۱۱۳	-۳.۸۴	جنس	
.۰۴۱	-۲.۰۵۰	-.۰۵۴	.۰۷۹	-۱.۶۳	گروه سنی	
.۰۰۰	۴۶.۷۹۷	—	۱.۶۶۹	۷۸.۱۰۵	مقدار ثابت	نگرش به دموکراسی
.۱۱۲	۱.۵۸۹	.۰۴۳	.۷۷۳	۱.۲۲۹	جنس	
.۰۰۰	۵.۶۹۳	.۱۵۲	.۵۴۷	۳.۱۱۵	گروه سنی	

در مدل رگرسیونی موج ۷، جنسیت ($B=-0.384, p<.001$) و گروه سنی ($B=-0.163, p<.05$) هر دو تأثیر معناداری بر نگرش به نظام سیاسی دارند. جنسیت تأثیر بیشتری نسبت به گروه سنی دارد، به طوری که با افزایش یک واحد در جنسیت، نگرش به نظام سیاسی به طور متوسط ۰/۳۸۴ واحد کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش سن، نگرش به نظام سیاسی به طور متوسط ۰/۱۶۳ واحد کاهش می‌یابد. به طور خلاصه، هم جنسیت و هم سن به طور معناداری با نگرش به نظام سیاسی مرتبط هستند، اما جنسیت تأثیر قوی‌تری دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر نگرش به دموکراسی در موج ۷ نشان می‌دهد که مقدار ثابت مدل ($B=78.105, p<.001$) به طور معناداری بر نگرش به دموکراسی تأثیرگذار است. از میان متغیرهای مورد بررسی، فقط گروه سنی ($B=3.115, p<.001$)، تأثیر قابل توجهی بر نگرش به دموکراسی دارد و نشان می‌دهد که با هر واحد افزایش در سن، نگرش به دموکراسی به طور متوسط ۳/۱۱۵ واحد افزایش می‌یابد. در مقابل، تأثیر جنسی ($B=1.229, p=.112$)، در این مدل معنادار نیست و مقدار p آن بالاتر از سطح معناداری ۰/۰۵ قرار دارد. بنابراین، در نتیجه‌گیری این مطالعه، گروه سنی تنها متغیر پیش‌بین مؤثر و معناداری است که بر نگرش به دموکراسی تأثیرگذار شناخته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر به بررسی تغییرات ارزش‌های سیاسی و دموکراسی در جامعه ایران در دو موج پنجم و هفتم پرداخته شد که در آن دو گروه جنسی متعارف (مردان و زنان) و سه گروه سنی براساس تقسیم‌بندی اینگله‌هارت و ولزل (۲۹-۱۵ سال، ۴۹-۳۰ سال و ۵۰ سال به بالا) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تغییرات ارزش‌های سیاسی در جامعه ایران، همانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، به شدت تحت تأثیر فرآیندهای مدرنیزاسیون، جهانی‌شدن و تحولات اقتصادی-اجتماعی قرار گرفته‌اند. براساس نظریه اینگله‌هارت، افزایش توسعه اقتصادی و بهبود سطح زندگی افراد، زمینه‌ساز گذار از ارزش‌های سنتی به سوی ارزش‌های فرامادی و خودبیانگر بوده است.

بررسی داده‌های موج پنجم و هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی نشان می‌دهد که گرایش به ارزش‌های سکولار-عقلانی در میان تمام گروه‌های جنسی و سنی افزایش یافته است. این تحول حاکی از آن است که ساختار ارزشی جامعه ایران در حال فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و دینی بوده و به سمت پذیرش بیشتر حقوق فردی، عقل‌گرایی، و مشارکت سیاسی سوق پیدا کرده است. تغییرات یادشده، تنها محدود به حوزه سیاست نبوده بلکه بر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی خانوادگی نیز تأثیرگذار بوده است. هم‌راستا با دیدگاه چلبی (۱۳۷۵)، ارزش‌های حوزه سیاسی به عنوان ارزش‌هایی ابزاری، بیش از سایر ارزش‌ها در معرض دگرگونی قرار دارند و تحت تأثیر تحولات ساختاری و فرهنگی به سرعت تغییر می‌کنند. در تبیین دلایل این تغییرات، می‌توان به گسترش تحصیلات، نفوذ رسانه‌ها، ارتباطات بین‌المللی و افزایش آگاهی عمومی از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر و مشارکت مدنی اشاره کرد. پژوهش‌هایی چون مطالعات رفیع‌پور (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷) نیز این روند را تأیید می‌کنند و از کاهش اهمیت ارزش‌های مذهبی در دوره‌های مختلف زمانی پس از انقلاب خبر می‌دهند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که روند تغییرات ارزشی در گروه‌های سنی مختلف به شکلی متوازن صورت نگرفته است. جوان‌ترها، به دلیل بهره‌مندی بیشتر از آموزش، رسانه و فضای مجازی، بیش از سایر گروه‌ها گرایش به ارزش‌های فرامادی و خودبیانی از خود نشان داده‌اند، در حالی که نسل‌های مسن‌تر، هنوز تا حدودی به ارزش‌های سنتی وفادار مانده‌اند.

از منظر جنسیتی نیز، تفاوت‌های معناداری مشاهده شده است. زنان، به‌ویژه در موج هفتم، مشارکت سیاسی بیشتری از خود نشان داده‌اند و این امر را می‌توان به افزایش تحصیلات، خودآگاهی جنسیتی و تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت داد. این یافته با نظریات فمینیستی معاصر در باب بیداری زنان و کنشگری اجتماعی آنان هم‌راستا است. تغییر ارزش‌ها در ایران، به‌ویژه در حوزه سیاسی، از سویی بیانگر گذار ارزشی است و از سوی دیگر نشان‌دهنده نوعی تعارض ارزشی است که میان نسل‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه پدید آمده است. این تعارض، چالش‌هایی را در حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی و مشروعیت سیاسی برای نهادهای رسمی به همراه خواهد داشت. بررسی متون نظری همچون دیدگاه‌های اینگله‌هارت، ولزل، و کلینگمن نشان می‌دهد که تغییر ارزش‌ها معمولاً در سه جهت توسعه اجتماعی-اقتصادی، تغییر سیاسی و دگرگونی‌های فرهنگی بروز می‌کند. در این پژوهش نیز هر سه بعد یاد شده، در دگرگونی ارزش‌های سیاسی ایرانیان قابل ردیابی است. یکی از پیامدهای مهم تغییر ارزش‌های سیاسی، شکل‌گیری هویت‌های جدید اجتماعی است. هویت‌هایی که نه تنها بر اساس تعلقات قومی یا مذهبی تعریف نمی‌شوند، بلکه از طریق پیوند با مفاهیمی چون شهروندی فعال، حقوق برابر، و عدالت اجتماعی شکل می‌گیرند. این هویت‌های نوین، به‌ویژه در نسل جوان، چالشی جدی برای نظم سنتی به حساب می‌آیند و در صورت بی‌توجهی نهادهای رسمی، ممکن است به تقابل‌های اجتماعی بینجامند. در این میان، نقش نهادهای واسط مانند خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها بسیار کلیدی است. این نهادها به‌عنوان بسترهای انتقال ارزش، می‌توانند در فرآیند هدایت تغییرات ارزشی و جلوگیری از بروز بحران‌های هویتی نقش تسهیل‌گر داشته باشند. اگر این نهادها نتوانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند، گسست نسلی و بحران مشروعیت در سطح کلان افزایش خواهد یافت. در کنار نهادهای داخلی، عوامل فرامرزی نیز به‌طور مستقیم بر تحولات ارزشی تأثیرگذارند. شبکه‌های اجتماعی، مهاجرت، و تعاملات بین‌المللی باعث شده‌اند که افراد، به‌ویژه نسل جدید، در معرض ارزش‌هایی قرار بگیرند که اغلب با ساختارهای سنتی جامعه در تضادند. این پدیده از یک‌سو می‌تواند منجر به غنای فرهنگی شود و از سوی دیگر، در صورت نبود مدیریت فرهنگی

مناسب، تعارضات ارزشی را تشدید کند. با توجه به روند شتابان تغییرات ارزشی، پژوهش‌های میدانی و پیمایشی باید به‌طور مستمر در دستور کار نهادهای علمی و سیاست‌گذار قرار گیرد. بدون شناخت دقیق از تحولات درون جامعه، تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه سیاست، فرهنگ و آموزش می‌تواند ناکارآمد یا حتی آسیب‌زا باشد. پژوهش حاضر نیز تأکیدی بر لزوم داده‌محور بودن تحلیل‌های سیاسی در کشور دارد.

از سوی دیگر می‌توان گفت که تغییر ارزش‌های سیاسی، امری گریزناپذیر و برگرفته از واقعیت‌های اجتماعی است. هنر سیاست‌گذاران، نه در مقابله با این تغییرات، بلکه در مدیریت هوشمندانه، اقتباس خلاقانه، و ایجاد تعادل میان سنت و نوگرایی نهفته است. تنها در این صورت است که جامعه می‌تواند ضمن حفظ هویت تاریخی و فرهنگی خود، مسیر توسعه و مشارکت سیاسی را با ثبات و انسجام بیشتری طی کند. در نهایت، این تغییرات اگرچه فرصت‌هایی برای تحقق دموکراسی و گسترش مشارکت مدنی ایجاد می‌کنند، اما بدون هم‌راستاسازی نهادهای رسمی، آموزش سیاسی، و نوسازی ساختارهای حکمرانی، ممکن است منجر به شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی شود. از این رو، ضرورت دارد که سیاست‌گذاران با درک درست از تحولات ارزشی، نسبت به تقویت نهادهای مشارکتی، پاسخگویی و عدالت اجتماعی اقدام کنند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که جامعه ایران در حال گذار از جامعه‌ای با ارزش‌های سنتی به جامعه‌ای با ارزش‌های مدرن و فرامادی است. این روند اگرچه کند و تدریجی است، اما نشانه‌های روشنی از آن در نگرش‌ها، رفتارها و ترجیحات سیاسی مردم قابل مشاهده است. فهم این تحولات، به ما کمک می‌کند تا چشم‌انداز آینده اجتماعی-سیاسی کشور را با نگاهی واقع‌بینانه ترسیم کنیم. دموکراسی‌خواهی و فردگرایی تغییرات ارزشی بسیار مهمی هستند که در بررسی موج‌های پنجم و هفتم در بین اعضای جامعه مشهود هستند و لازم است توجه بیشتری نسبت به افزایش نمادها و نهادهای دموکراتیک از یکسو و احترام به آزادی‌های فردی از سوی دیگر معطوف شود با عنایت به افزایش ارزش دین در سنین بالای ۵۰ سال احترام به دو گزینه فوق می‌تواند نقش بی‌بدیلی در افزایش گرایش دینی اعضای جامعه در شرایط کنونی و آتی جامعه از دوکانال تربیتی (تأثیر والدین بر فرزندان) و تجربی (تأثیر تجربه زیسته آزادی فردی بر گرایش به دین در دوران میانسالی) اعضای جامعه داشته باشد.

منابع

- آلموند، گ. و وربا، س. (۱۳۸۰). *فرهنگ سیاسی* (ترجمه احمد گل‌محمدی). تهران: نشر سیما.
- ارسیا، ب. و ساعی، ا. (۱۳۹۸). *تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی*. نشریه دانش سیاسی، ۱۵(۱)، ۱-۲۸.
- اکبری، ی.، ندرلو، ر. و خداکرمیان گیلان ن. (۱۴۰۱). *تغییرات ارزشی و نگرشی در نهاد خانواده ایرانی بر اساس پیمایش جهانی ۲۰۲۰*. مطالعات جمعیتی، ۸(۲)، ۳۱۷-۳۴۸.
- حبیبی، ف. (۱۴۰۰). *مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات سمت.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- دراکر، پ. ف. (۱۳۷۲). *جامعه پسا سرمایه‌داری* (ترجمه محمد طلوع). تهران: نشر رسا.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۶). *توسعه و تضاد*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۷). *آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گ. (۱۳۸۶). *تغییرات اجتماعی* (ترجمه منصور وثوقی). تهران: نشر نی.
- شیری، ح. (۱۴۰۱). *مطالعه نسلی تغییرات ارزشی در ایران (تحلیل ثانویه داده‌های موج ۴ و ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی)*. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ۱۱ بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۰.
- طالبان، م. ر.، مبشری، م. و مهرآیین، م. (۱۳۸۹). *بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)*. دانشنامه علوم اجتماعی، ۱(۳)، ۲۳-۶۳.
- عیوضی، م. ر. و جهان‌بین، ف. (۲۰۱۲). *روند دگرگونی‌های ارزشی در ایران پس از انقلاب اسلامی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸*. مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۲۹)، ۲۱۳-۲۴۱.

- کاظمی، ح. (۱۳۹۹). *نهادگرایی به عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی*. پژوهش سیاست نظری، ۱۳، ۷-۳۸.
- کاستلز، م. (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه‌ای* (ترجمه علی پایا). تهران: طرح نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر تحلیل نهادین مدرنیته، در مدرنیته و مدرنیسم* (ترجمه حسین نوذری). تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۷). *پیامدهای مدرنیته* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: نشر مرکز.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *از سنت به نوسازی: مطالعه تغییرات اجتماعی به روش اتنوگرافی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- معززی خنده‌روی یزدی، ف، حضرتی صومعه، ز، و ابوالحسن تنهایی، ح. (۱۴۰۰). *بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خانواده‌گرایی در بین جوانان شهر تهران*. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳ (۴)، ۲۳۷-۲۳۹.
- نیک‌گیر، ع. (۱۳۷۲). *میزگرد بررسی وضعیت جامعه‌شناسی در ایران*. مجله دانشگاه انقلاب، شماره ۹۷.
- وٹوقی، م، و اکبری، ح. (۲۰۱۱). *روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها*. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۱ (۱۳۸۹).
- هانتینگتون، س، پ. (۱۳۹۷). *نظم سیاسی در جوامع در حال تغییر* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.

References

- Almond, G., and Verba, S. (2002). *Political Culture* (translated by Ahmad Golmohammadi). Tehran: Sima Press. [In Persian]
- Akbari, Y., Naderlu, R. and Khodakaramian Gilan, N. (2022). Value and Attitudinal Differences in the Iranian Family Institution Based on the 2020 Global Survey. *Iranian Population Studies*, 8(2), 317-348. doi: 10.22034/jips.2025.485588.1246. [In Persian]
- Arsia, B. and Saei, A. (2019). The impact of social capital of state on political development from point of view Tehranian citizens. *Journal of Political Knowledge*, 15(1), 1-28. doi: 10.30497/pk.2019.2615. [In Persian]
- Bell, D. (1976). *The coming of post-industrial society: A venture in social forecasting*. New York: Basic Books.
- Bem, D. J. (1972). Self-perception theory. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 6, pp. 1-62). Academic Press.
- Castells, M. (2010). *The Information Age: Economy, Society and Culture: The Rise of the Network Society* (translated by Ali Paya). Tehran: Tarh No Press. [In Persian]
- Chalabi, M. (1996). *The Sociology of Order: A Theoretical Explanation of Social Order*. Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Claridge, T. (2018). Dimensions of social capital – Structural, cognitive and relational. *Social Capital Research*. Retrieved from <https://www.socialcapitalresearch.com>
- Drucker, P.F. (1993). *Post-capitalist society* (free translation). Tehran: Rasa Press. [In Persian]
- Eisenstadt, S. N. (1956). *From Generation to Generation: Age Groups and Social Structure*. Chicago: University of Chicago Press.
- Eyvazi, M, R, Jahanbin, F. (2012) The trend of value changes in Iran after the Islamic Revolution from 1978 to 2009. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*. 2012; 9 (29): 213-242 [In Persian]
- Festinger, L. (1957). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford University Press.
- Fichter, J. H. (1976). *Sociology*. University of Chicago Press.
- Giddens, A. (2013). *An Introduction to the Institutional Analysis of Modernity, in Modernity and Modernism* (translated by Hossein Nozari). Tehran: Nay Press. [In Persian]
- Giddens, A. (2018). *The Consequences of Modernity* (translated by Mohsen Salasi). Tehran: Markazenashr Press. [In Persian]
- Gunnell, M. (2007). *Global cultural values change and the relationship with telecommunications change: A longitudinal analysis*. Capella University Publication.
- Habibi, F. (2021). *Fundamentals of Research Method in Social Sciences*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- Hacker, S. K. (2015). *The art of cultural transformation: How cultures change through human interaction*. Seattle, WA: Transformation Systems International.
- Huntington, S. P. (2018). *Political order in changing societies*. (Translated by M. Solasi). Tehran: Elmi Publication. [In Persian]
- Inglehart, R. (1977). *The silent revolution: Changing values and political styles among Western publics*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Inglehart, R., & Abramson, P. R. (1994). Economic security and value change. *The American Political Science Review*, 88(2), 336-354.
- Inglehart, R., & Baker, W. E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65(1), 19-51.

- Inglehart, R., & Catterberg, G. (2002). Trends in political action: The developmental trend and the post-honeymoon decline. Paper presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association, Boston.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005/2007). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). Exploring the unknown: Predicting the responses of publics not yet surveyed. *International Review of Sociology*, 15(1), 173–201.
- Inglehart, R., & Norris, P. (2017). Trump and the Populist Authoritarian Parties: The Silent Revolution in Reverse. *Perspectives on Politics*, 15(2), 443–454. doi:10.1017/S1537592717000111
- Kazemi, h. (2013). Institutionalism as a Model for Political Analysis. *Pizhūhish-i siyāsāt-i nazāri*, 13(2), 1–10. [In Persian]
- Kunst, J. R., & Mesoudi, A. (2024). Decoding the Dynamics of Cultural Change: A Cultural Evolution Approach to the Psychology of Acculturation. *Personality and Social Psychology Review*, 29(2), 111–144. <https://doi.org/10.1177/10888683241258406>
- Mohammadpour, A. (2013). *From Tradition to Modernization: Studying Social Changes through Ethnography*. Tehran: Sociologists Press. [In Persian]
- Mozadehi Khande-Roy Yazdi, F, Hazrat-e-Sumeh, Z, and Abolhasan Tanhaei, H. (2021). A sociological study of the impact of social capital on familism among young people in Tehran. *Iranian Social Development Studies*, 13(4), 227–239. SID. <https://sid.ir/paper/1063414/fa> [In Persian]
- Nikgozar, A. (1993). Roundtable on the Status of Sociology in Iran. *Journal of the Revolutionary University*, No. 97. [In Persian]
- Noy, S., & Kanji, M. (2002). Human values and social change: Findings from the World Values Survey. *International Journal of Comparative Sociology*, 43(3–5), 159–180.
- Parris, H., Nguyen, T., & Caldwell, R. (2022). Cultural transformation theory and social change: Understanding value shifts in modern societies. *Journal of Social Change Studies*, 18(3), 45–67.
- Parsons, T. (1951). *The social system*. Harvard University Press.
- Petty, R. E., & Cacioppo, J. T. (1986). *Communication and persuasion: Central and peripheral routes to attitude change*. Springer-Verlag.
- Rafipour, F. (2017). *Development and Conflict*. Tehran: Sahami Enteshar Press. [In Persian]
- Rafipour, F. (2018). *Anatomy of Society: An Introduction to Applied Sociology*. Tehran: Sahami Enteshar Press. [In Persian]
- Roche, G. (2007). *Social Changes* (Translated by M. Vosoughi). Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Shiri, H. (2022). A generational study of value changes in Iran (secondary analysis of data from waves 4 and 7 of the Global Values Survey). *Contemporary Sociological Research* (Scientific-Research), 11(20), 197–224. [In Persian]
- Schwartz, S. H., & Sagie, G. (2000). Value consensus and importance: A cross-national study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31(4), 465–497.
- Schwartz, S. H., & Sagiv, L. (2005). Value priorities and behavior: Applying a theory of integrated value systems. *Advances in Experimental Social Psychology* (Vol. 37, pp. 1–63). Academic Press.
- Stephenson, J. (2023). *Cultural Change*. In: *Culture and Sustainability*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-25515-1_6
- Taliban, M, R, Mobasheri, M. & Mehrayin, M. (2010). A study of the process of value transformation in Iran (1974–2009). *Historical Sociology*, 2(3), 23–63. [In Persian]
- Tsounis, A., & Xanthopoulou, D. (2024). *Social capital theory: Dimensions and implications for collective action*. Athens: Hellenic Social Sciences Press.
- Vosoughi, M. and Akbari, H. (2010). Trends and factors affecting the change of values. *Social Analysis of Social Order and Inequality*, 2010(1)
- World Values Survey (WVS). (2021). Statistical data files: Wave 4 (1999–2004) & Wave 7 (2017–2020). Retrieved from <https://www.worldvaluessurvey.org> (Accessed February 2021).

Changing Values, Political Attitudes, and Democracy in Iranian Society in the Fifth and Seventh Waves of Global Values

Akbar Talebpour^{1*}  | Mahnaz Karami² 

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author, Email; a.talebpour@alzahra.ac.ir

2. Sociology phd candidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran. Email; Mhnz67@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 21 April 2024

Accepted: 05 September 2025

Published: 05 January 2025

Keywords: Changing values, Fifth wave, Seventh wave, World values, Iranian society

ABSTRACT

Introduction: Values, as one of culture and personality system components, have an impact on behavioral patterns and sociopolitical preferences, etc. According to Inglehart and Klingman, human societies experience three main directions of social change in the form of socio-economic development, value change, and political change, and value change is considered to precede political change. Therefore, present study compared changes in political values and democracy in Iranian society in fifth and seventh waves among two gender and age groups of the Global Values Survey in order to examine the extent of changes in two time periods and identify symptoms of these changes.

Methodology: Research method was secondary analysis and longitudinal study using existing and available data from the Global Values Survey. Data was analyzed using SPSS software to determine the trend of changes in various components of political values of different age and gender groups in Iranian society.

Results: Findings showed that as a result of increased education levels, the expansion of the media, and a relative improvement in the quality of life, modern values such as political participation, civil liberties, and individual rights have been strengthened, especially among younger generations. Also, according to results, attitudes toward religious rule have increased with age, and in the seventh wave, the age group of 50 and older has become more inclined to interpret laws by religious authorities.

Conclusions: According to the results of study, women are more inclined than men to the existence of religious values in the political system. Respect for individual human rights, which was undervalued in the fifth wave, has been significantly positively evaluated in the seventh wave, which could be a sign of an increase in individualism due to the expansion of cyberspace. This issue needs to be taken into account by those in charge when analyzing the political behavior of society members and designing cultural and social policies.

Cite this article: Talebpour, A., Karami, M., (2024). Changing Values, Political Attitudes, and Democracy in Iranian Society in the Fifth and Seventh Waves of Global Values. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 110-135



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.66909.1861](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.66909.1861)